



1

Vol. 6
Spring 2025

Research Paper

Received:
01 May 2024
Revised:
25 December 2024
Accepted:
03 February 2025
Published:
21 March 2025
P.P: 63-101

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5285



Analyzing the Soft Reflection of the Islamic Revolution of Iran on the Enhancement of Yemeni Shiite Power with a Futures Studies Approach

Hamid Dorj^{*1}

Abstract

Objective: With the victory of the Islamic Revolution of Iran, the Yemeni Shiites emerged from their many years of isolation and gradually expanded their sphere of power and influence in this country. This, in addition to expanding Iran's sphere of power in the West Asian region, has caused Saudi Arabia to worry about the increasing power of Yemeni Shiites and its impact on its Shiite-populated areas. The main objective of the present study is the soft impact of the Islamic Revolution of Iran on strengthening and promoting the power of Yemeni Shiites.

Method: This study, with a future-oriented approach, used documents and library studies to collect data and employed a descriptive-analytical method to achieve the research results.

Findings: The research findings show that the soft and spiritual reflection of the Islamic Revolution of Iran on the Shiite Houthi movement in Yemen has led to their increasing growth and, on the other hand, has opened a firm foothold for Iran in the Arabian Peninsula, which has caused Riyadh and its regional allies to worry about the Shiite Houthi movement gaining power and its reflection on the social dissatisfaction and protests in the Shiite-populated areas of Saudi Arabia.

Conclusion: The result of the research is that the victory of the Islamic Revolution of Iran and its impact on the Shiite movement in Yemen has led to their coming out of their isolation for many years and the expansion of the influence of this Shiite movement, which can help increase the regional power of the Islamic Republic and upset the balance of power in favor of Tehran and its allies in West Asia. Therefore, the Riyadh authorities, by adopting an aggressive policy, while trying to contain and eliminate the Shiite movement from the Yemeni political scene, are taking steps to prevent the increasing expansion of Tehran's power in the region

Keywords: Islamic Revolution of Iran, Yemen, Shiites, soft power, futures studies.

¹ PhD in International Relations, Gilan University, Rasht, Iran.
Email: hamid.dorj@phd.guilan.ac.ir

Cite this Paper: Dorj, H(2025). Analyzing the Soft Reflection of the Islamic Revolution of Iran on the Enhancement of Yemeni Shiite Power with a Futures Studies Approach. *Future Studies of the Islamic Revolution*, 4(5), 63–101.

Publisher: Imam Hussein University



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)(CC BY 4.0) .



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۱

دوره ششم
بهار ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱
صص: ۶۶-۱۰۴

شاپا چاپی: ۴۵۲۸-۲۰۰۸
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۰۷۲



تحلیل بازتاب نرم انقلاب اسلامی ایران بر ارتقای قدرت شیعیان یمن با رویکرد آینده پژوهی

حمید درج^{۱*}

چکیده

هدف: با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، موجبات خروج از انزوای چندین ساله شیعیان یمن و گسترش تدریجی قلمروی قدرت و نفوذ آن‌ها در این کشور فراهم گشت که این امر، ضمن توسعه دایره قدرت ایران در منطقه غرب آسیا، باعث نگرانی عربستان سعودی از افزایش قدرت شیعیان یمن و تأثیرگذاری آن بر مناطق شیعی نشین خود شده است. هدف اصلی پژوهش حاضر، تأثیر نرم انقلاب اسلامی ایران بر تقویت و ارتقای قدرت شیعیان یمن است.

روش: این پژوهش، با رویکردی آینده پژوهانه از استاد و مطالعات کتابخانه‌ای برای گردآوری داده‌ها استفاده کرده و روش توصیفی-تحلیلی را برای نیل به نتایج پژوهش به کار گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که که بازتاب نرم و معنوی انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان حوثی در یمن باعث رشد روزافزون آن‌ها و از سویی، باز شدن جای پای محکم برای ایران در شبه جزیره عربستان شده است که این امر خود سبب نگرانی ریاض و متحدان منطقه‌ای آن از قدرت‌یابی شیعیان حوثی و بازتاب آن بر نارضایتی‌ها و اعتراضات اجتماعی مناطق شیعه‌نشین عربستان شده است.

نتیجه‌گیری: نتیجه پژوهش این است که پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن بر شیعیان یمن، باعث خروج چندین ساله آن‌ها از انزوا و توسعه نفوذ این جنبش شیعی شده است که این تحولات می‌تواند به افزایش قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی و بر هم خوردن موازنه قدرت به نفع تهران و هم‌پیمانان آن در غرب آسیا کمک کند. از این‌رو، مقامات ریاض با اتخاذ سیاستی تهاجمی، ضمن تلاش برای مهار و حذف جنبش شیعی از صحنه سیاست یمن، در راستای جلوگیری از توسعه روزافزون قلمروی قدرت تهران در منطقه گام بر می‌دارند.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی ایران، یمن، شیعیان، قدرت نرم، آینده پژوهی.

۱. نویسنده مسئول: دکتری روابط بین الملل، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Email: hamid.dorj@phd.guilan.ac.ir

استناد: درج، حمید (۱۴۰۴). تحلیل بازتاب نرم انقلاب اسلامی ایران بر ارتقای قدرت شیعیان یمن با رویکرد آینده پژوهی، نشریه

علمی آینده پژوهی انقلاب اسلامی، ۴(۵)، ۶۶-۱۰۴.

DOR: <https://dori.net/dor/20.1001.1.27173674.1403.5.1.1.3>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

نویسندگان



این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جرقه الگوگیری و بیداری اسلامی را میان شیعیان یمن و از آن جمله زیدی‌ها و جنبش الحوثی‌های این کشور ایجاد کرده است. شیعیان یمن که به مدت بیش از هزار سال، قدرت و حکومت را در این کشور در دست داشتند؛ با کودتای سرهنگ سلال که با حمایت و تحریک مصر در سال ۱۹۶۲ صورت پذیرفت؛ قدرت و حاکمیت خود را از دست دادند؛ اما طولی نکشید که وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی و پیامدهای ناشی از آن سبب شد تا شیعیان یمن به تدریج از انزوای ژئوپلیتیکی بیرون آیند و با وقوع خیزش‌های مردمی از سال ۲۰۱۱ میلادی، در شمال آفریقا و غرب آسیا، دوباره به احیاء و تجدید قدرت خود مبادرت ورزند. انقلاب اسلامی ایران را می‌توان تجلی قدرت نرم به معنای توانایی نفوذ در رفتار دیگران بدون تهدید و تحت تأثیر قرار دادن افکار و انگاره‌ها به شمار آورد. این انقلاب به عنوان انقلابی واقعی، مردمی، مترقی و اصیل و دارای نیروی عظیم معنوی با حمایت از مسلمانان و به ویژه شیعیان زیدی و نیز نهضت‌ها و حرکت‌های آزادی بخش یمن توانست بیش از پیش جایگاه شیعیان به ویژه زیدیان این کشور را ارتقاء بخشد. پس از انقلاب اسلامی ایران، شعائر و نمادهای ارزشی و انقلابی ایران در یمن رواج یافت و این به معنی الگوبرداری آن‌ها از مدل انقلابی ایران برای تشکیل حکومت اسلامی و نفی استبداد و خودکامگی است. اما در این میان کشورهایی همچون عربستان سعودی، ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی مکرراً در تلاش بوده‌اند تا این نمودها را به عنوان شواهدی از مداخله ایران در امور همسایگان و حمایت تهران از جنبش‌های مردمی، مبارز و عدالت خواه قلمداد کنند؛ در حالی که نفوذ ایران در کشورهای منطقه صرفاً بر مبنای قدرت نرم و اثبات کارآمدی مدل حکومتی آن بوده است. لذا به نظر می‌رسد؛ با توجه به امواج بیداری اسلامی در منطقه و تلاش‌های مردمی برای مقابله با ظلم و استبداد دولت‌های محافظه کار و مورد حمایت غرب، شعاع و گستره نفوذ ایران در منطقه در حال گسترش باشد. این نوع نفوذ جمهوری اسلامی ایران در یمن هم‌اکنون در قالب جنبش شیعی انصارالله قابل مشاهده است. با پیروزی و تسلط انصارالله بر صنعاء، محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی در منطقه

گسترده‌تر می‌شود و این امر به معنی ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی شیعیان یمن و بالا گرفتن توان و نفوذ منطقه‌ای تهران در غرب آسیا محسوب می‌شود که این موضوع می‌تواند معادلات و نظم منطقه‌ای را به ضرر عربستان سعودی و متحدان آن در منطقه شکل بخشد.

ایران با قرار گرفتن در جنوب غربی آسیا و برخورداری از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک اهمیتی ویژه دارد. یک برنامه اصولی در این منطقه می‌تواند در افزایش توان ملی و قدرت ژئوپلیتیکی و نیز ارتقای جایگاه فراملی ایران در دریای عمان و خلیج فارس و البته در کاهش زمینه‌های تهدید حوزه پیرامونی و تبدیل آن‌ها به فرصت‌هایی بی‌بدیل مؤثر باشد. گسترش نفوذ شیعیان الحوثی و انصارالله در یمن، چشم‌انداز هشداردهنده‌ای برای عربستان و متحدان منطقه‌ای آن کشور است؛ زیرا آن‌ها از نفوذ فزاینده ایران در منطقه نگران هستند. به باور مقامات سعودی، ایران در پی بهره‌گیری از تحولات یمن برای تحت فشار قرار دادن آن کشور و گسترش تشیع سیاسی در مرزهای جنوبی عربستان و سپس نفوذ دادن این مسأله به داخل عربستان است. به این ترتیب، وقایع یمن که همچون تحولات عراق، لبنان، سوریه و بحرین دارای ویژگی‌های هویتی و ایدئولوژیک برای ایران و عربستان محسوب می‌شود؛ نشان می‌دهد که این کشور همچنان به عنوان یکی از حوزه‌های توجه و رقابت تهران و ریاض باقی خواهد ماند. انصارالله یمن به شکلی بی‌سابقه و با روش و الگوی حزب‌الله لبنان تلاش کرده تا از منظر راهبردی و هویتی به اهرم فشار ایران علیه سیاست سعودی در جنوب شبه جزیره تبدیل شود. در صورت پیروزی کامل و تسلط انصارالله بر یمن، ضلع چهارم جبهه مقاومت در منطقه شکل می‌گیرد و این به معنی توسعه عمق استراتژیک ایران در منطقه و محاصره عربستان توسط شیعیان است. از این‌رو، عربستان سعودی، از بیم قدرت گرفتن شیعیان حوثی و جریاناتی نظیر؛ انصارالله در یمن، در تلاش برای گسترش ایدئولوژی وهابیت در این کشور برآمده است و در این راستا، تمام پتانسیل خود را برای خنثی‌سازی نفوذ و نقش ایران و آرمان‌های انقلاب در یمن به کار گرفته است. در این راستا، نوشتار حاضر با رویکردی آینده‌پژوهانه در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که انقلاب اسلامی ایران چه بازتابی بر ارتقای قدرت شیعیان یمن داشته است؟ پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه قدرت نرم شکل گرفته است.

مبانی نظری

قدرت نرم

مفهوم قدرت نرم را جوزف نای^۱ در اوایل دهه ۹۰ میلادی، نخستین بار در ادبیات سیاسی رایج کرد و در دهه‌های اخیر این مفهوم جای خود را در میان ادبیات مهم و اساسی روابط بین‌الملل پیدا کرده است. از نظر نای، قدرت نرم توانایی جذب کردن است که اغلب به رضایت منجر می‌شود و بر قابلیت تأثیرگذاری بر رفتار دیگران از طریق اثرگذاری بر اولویت‌های آن‌ها اطلاق می‌گردد. بر این اساس، قدرت نرم امکان دستیابی غیرمستقیم به نتایج مورد علاقه و دلخواه را فراهم می‌سازد. بر اساس تعریفی که نای از قدرت نرم ارائه می‌دهد؛ ماهیت و سرشت این نوع از قدرت بر مبنای توانایی شکل دهی به اولویت‌های دیگران استوار است و این امر به نحوی ناملموس و با بهره‌گیری از جاذبه‌های فرهنگی، ارزش‌ها و نهادهای سیاسی به انجام می‌رسد (دهقانی فیروزآبادی و امیری، ۱۳۹۷: ۱۰۲). قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره مثبت از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی، قدرت تأثیرگذاری غیرمستقیم توأم با رضایت بر دیگران می‌باشد. زمانی که سیاست‌های یک بازیگر در چشم دیگران مشروع باشد، قدرت نرم آن بازیگر فزونی یافته است. در سطح نظام بین‌الملل، موفقیت قدرت نرم به شدت بر خوش‌نامی و اعتبار بازیگران در جامعه بین‌المللی و جریان اطلاعات میان بازیگران استوار است (امیدی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۳۲).

قدرت نرم، برخلاف قدرت سخت بدون به کارگیری تهدید، زور، و اجبار و پرداخت پاداش و تطمیع، به صورت غیرمستقیم و نامحسوس اعمال می‌گردد. جاذبه‌های ارزشی، هنجاری و فرهنگی یک کشور را قادر می‌سازد تا دیگران را با صرف هزینه مادی و معنوی کمتری جذب سیاست‌ها و اهداف خود کند. به نظر نای، ویژگی استفاده از قدرت، راه‌های گوناگونی است که می‌توان با استفاده از آن‌ها به نتایج مطلوب رسید. وی بر این اعتقاد است که برای تشویق و ترغیب طرف مقابل به انجام رفتار دلخواه سه راه اصلی وجود دارد که عبارت‌اند از: اجبار، پاداش، و جذب و اقناع یا قدرت نرم. او سه مهارت را در فرایند اعمال قدرت نرم لازم می‌داند:

1. Joseph Nye

مهارت اول، هوش هیجانی است که بر توانایی کنترل احساسات و استفاده از آن‌ها در ارتباط با دیگران دلالت دارد. مهارت دوم شکل دادن به تصویری از آینده است به نحوی که بتواند باعث جذب دیگران شود و سومین مهارت با قابلیت‌های ارتباطی مربوط می‌شود که مهارت‌های کلامی و نیز امکان بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی غیرکلامی را در بر می‌گیرد. این سه مهارت در قدرت نرم می‌بایست با مهارت‌های مربوط به قدرت سخت در سامان‌ها، سیاست‌ها و غیره ترکیب شوند (جدیدی و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۱).

از نظر نای، اهمیت قدرت نرم در آن است که جذب، بسیار ارزان‌تر و کاراتر از اجبار است. در واقع، زمانی که شما دیگران را وادار می‌کنید تا ایده‌ها و خواسته‌های شما را بپذیرند؛ بدون این که برای این کار هزینه زیادی صرف کنید، در آن صورت شما از قدرت نرم استفاده کرده‌اید. طبق نظر نای، قدرت سخت می‌تواند بر پاداش (هویج) و یا تهدید (چماق) متکی باشد؛ اما گاهی اوقات شما می‌توانید بدون استفاده از تهدید یا پاداش محسوس، به نتایج مورد نظران دست یابید. قدرت نرم چیزی بیش از قانع کردن صرف یا توانایی حرکت دادن مردم از طریق استدلال است (Nye, 2005: 64). در این راستا می‌توان گفت؛ بازتاب نرم انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان حوثی در یمن، ضمن تقویت قدرت بازگیری شیعیان این کشور و نفوذ فزاینده آن‌ها در لایه‌های قدرت در یمن، کمک شایانی به بالا رفتن نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا بخشیده است. این امر می‌تواند معادلات و موازنه قدرت را به نفع شیعیان حوثی و انصارالله در صحنه یمن شکل بخشد و شرایط را برای تسلط آن‌ها بر صنعا فراهم نماید که این خود نگرانی‌ها و ترس ریاض و متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی آن را نسبت به قدرت‌یابی شیعیان در یمن و تأثیر آن بر مناطق شرقی عربستان برانگیخته است.

پیشینه پژوهش

پیرامون تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن، تاکنون پژوهش‌های زیادی انجام گرفته است که در ادامه صرفاً به چند نمونه از آن‌ها که ارتباط بیشتری با موضوع بحث پژوهش حاضر دارد، پرداخته می‌شود.

آل‌سید غفور و دیگران (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای با عنوان «تبیین رقابت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در یمن»، به بررسی رقابت‌ها و چالش‌های بین عربستان و ایران در یمن پرداخته‌اند. نویسندگان در این پژوهش ماهیت رقابت‌ها و درگیری‌های جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در یمن را علی‌رغم تأثیرپذیری از اختلاف‌های ایدئولوژیک، متأثر از رقابت‌های استراتژیک دو کشور می‌دانند و بر درک تهدید این دو کشور از نیت‌ها و اهداف طرف مقابل در یمن تأکید دارند.

عباسی و گلچین (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای تحت نام «انقلاب اسلامی ایران و ژئوپلیتیک شیعه در یمن: از هویت‌یابی تا بیداری» بیان می‌دارند که وقوع انقلاب اسلامی در ایران سبب هویت‌یابی و خودآگاهی، رشد و ارتقای سطح فکری و بینش سیاسی و همچنین گسترش فعالیت شیعیان با هدف دست‌یابی به حقوق سیاسی و اجتماعی در قالب جنبش‌ها و احزاب شیعی، در صحنه سیاست یمن شده است.

بیات (۱۳۹۵) در کتابی با نام «تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر پیدایش جنبش الحوثی یمن»؛ به بحث و بررسی در مورد منابع فکری دو تفکر تأثیرگذار بر جامعه یمن، یعنی تفکر شیعی و همچنین اشاعه تفکر وهابیت می‌پردازد و در ادامه، تأثیرات انقلاب اسلامی بر پیدایش جنبش الحوثی در یمن را مورد واکاوی قرار می‌دهد. بیات معتقد است؛ انقلاب اسلامی ایران، فرصت را از جریان وهابیت گرفت و هویت شیعی را به زیدی‌ها بازگرداند.

سریولی^۱ (۲۰۱۸)، در مقاله‌ای با عنوان «نقش‌ها و رفتار بین‌المللی: رقابت ایران و عربستان در بهار عربی یمن و بحرین»؛ معتقد است این دو قدرت برتر منطقه‌ای در پی رهبری در خلیج فارس هستند و هدف پژوهش خود را فهم رقابت آن‌ها از زاویه تئوری نقش می‌داند. در این راستا؛ ایران خود را نقش کانون و سنگر انقلاب‌ها معرفی می‌کند؛ چیزی که شدیداً در برابر نقش ضد بی‌ثباتی عربستان قرار دارد.

سلویک^۲ (۲۰۱۵)، در اثری تحت عنوان «جنگ در یمن: دیدگاه ایران»؛ بیان می‌دارد که دستور کار سیاسی نظیر؛ پذیرش پیشنهادات قانونی و اصلاحات دموکراتیک از سوی دولت یمن و نیز

1. Cerioli
2. Selvik

همسویی بیشتر سیاست خارجی یمن با ایران به عنوان یک کشور متحد شیعی، با هدف پایان دادن به بحران این کشور، امری ضروری به نظر می‌رسد.

بروکس^۱ (۲۰۱۸)، در مقاله خود با نام «فرصت‌ها در می‌زنند: تحلیل اقدامات ایران در یمن»؛ اذعان دارد که به رغم خصومت‌های بین‌المللی با ایران، اقدامات ایران در یمن نسبتاً اندک؛ اما موفقیت‌آمیز بوده است. ایران در مهار رقبای منطقه‌ای خود و سردرگمی آن‌ها در یمن موفق بوده است و با فراهم نمودن حمایت نظامی، اقتصادی و فرهنگی توانسته است متحدان شیعه که در حوزه نفوذ آن‌ها قرار دارد را جذب کند. نوآوری و تازگی این پژوهش در این است که اگرچه در خصوص تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن، تاکنون تحقیقات و پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است؛ اما عمده این تحقیقات با رویکرد سازه‌انگارانه و از منظر تضادهای هویتی-ایدئولوژیکی ایران و عربستان در یمن شکل گرفته است. این در حالی است که پژوهش حاضر با تکیه بر قدرت نرم به تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان این کشور پرداخته است.

روش پژوهش

این پژوهش، از نوع پژوهش‌های کاربردی به روش توصیفی-تحلیلی از نوع کیفی بوده و شیوه انجام آن، رویکرد آینده‌پژوهانه است. آینده پژوهی یک علم ترکیبی است که از دو مؤلفه متمایز توصیفی و تجویزی تشکیل شده است. وجه توصیفی آن، بر گمانه‌زنی در خصوص روندهای آینده با تکیه بر بهترین دانسته‌ها و معرفت‌های زمینه‌ای استوار است که در این زمینه باید برای پرهیز از لغزش تحقیقات و سقوط در ورطه فعالیت‌های عامه‌پسند و کم محتوا، به دو جنبه اساسی توجه کرد: نخست، تلاش در زمینه تولید و بسط معرفت دارای محتوا و عاری از آشفتگی‌ها و دیگر نقادی پیشنهادها و سناریوهای ارائه شده با تکیه بر موازین سنجیده و نقدهای علمی. کارل پوپر^۲ درباره آینده چنین می‌گوید: «موجودات زنده و در رأس آن انسان‌ها، در برخورد با محیط پیرامون خود، رهیافتی «مسأله محور» دارند و بر اساس «انتظاراتی» که از شرایط آینده در محیط دارند؛ توانایی‌های ذهنی و فیزیکی خود و امکانات موجود را برای به حداکثر رساندن شانس بقای خویش ارتقاء می‌دهند. این نکته که توجه به کدام امور و پرهیز از کدام جنبه‌ها می‌تواند شانس

1. Brooks
2. Karl Popper

بقای افراد و نهادها را افزایش دهد؛ یکی از اصلی‌ترین مسائل مورد نظر آینده‌پژوهان در قلمروهای مختلف است (حاکمی و همکاران، ۱۴۰۱). شیوه گردآوری اطلاعات و داده‌های تحقیق نیز از طریق منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام پذیرفته است.

یافته‌های پژوهش

ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی یمن در غرب آسیا

کشور یمن، با وسعت ۵۲۷/۹۷۰ کیلومترمربع در جنوب غربی آسیا و جنوب شبه جزیره عربستان قرار گرفته است که از جنوب به دریای عرب و خلیج عدن و از شمال به عربستان محدود می‌شود. بیشتر مردم یمن، مسلمان و اقلیت محدودی نیز مسیحی، یهودی و پیروان آئین هندو هستند. در میان مسلمانان ۵۵ درصد اهل تسنن با گرایش بیشتر شافعی و ۴۵ درصد شیعیان با گرایش بیشتر زیدیه هستند. شیعیان زیدیه عمدتاً در مناطق کوهستانی شمال و شمال غربی مانند صعدة و شافعی‌ها بیشتر در بخش‌های جنوب و جنوب شرقی مانند عدن زندگی می‌کنند (مقومی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۶۶). پایتخت یمن شهر صنعا و وسعتش حدود یک سوم ایران است. جمعیت یمن در سال ۲۰۱۶، حدود ۲۷/۵ میلیون نفر بوده است که ۳۵ درصد شهرنشین و ۶۵ درصد روستانشین می‌باشند (مختاری‌هشی و شمس، ۱۳۹۶: ۱۷۳). یمن از دیرباز ناحیه‌ای آباد و همچنین دارای جنگل‌هایی انبوه در نقاط کوهستانی و در نقاط دیگر، نخلستان‌ها و باغ‌های گوناگون بوده است؛ به گونه‌ای که این کشور را در گذشته «عربستان خوشبخت» می‌نامیدند (سمیعی‌اصفهان‌ی و موسوی، ۱۳۹۴: ۹۱). بسیاری از تحلیلگران بر این اعتقادند که جدا از مسئله عقیدتی، یمن به خاطر خلیج عدن به عنوان گذرگاه تانکرهای نفتی و راه دسترسی خلیج فارس به بازارهای بین‌المللی نیز برای ایران اهمیت دارد. برآوردها نشان می‌دهد که حدود ۵ تا ۶ درصد تولید نفت جهان، یعنی روزانه بالغ بر ۴ تا ۵ میلیون بشکه نفت از تنگه باب‌المندب عبور می‌کند و بسیاری از کشورهای اروپایی و غربی مایحتاج نفت خود را از این راه تأمین می‌کنند (Kadri, 2020: 24). تنگه باب‌المندب حدود ۱۸ مایل پهنا دارد و حمل و نقل تانکرهای نفتی را به دو کانال تردد دو مایلی محدود کرده است. مسیرهای تردد ورود و خروج در این تنگه از طریق این کانال‌های

دو مایلی ساماندهی شده است. بستن تنگه باب‌المندب می‌تواند تانکرهای نفتی خلیج فارس را از رسیدن به کانال سوئز و خط لوله سومد محروم کند و آن‌ها را به سمت دماغه جنوبی آفریقا منحرف کند و سبب افزایش زمان و هزینه صدور نفت شود؛ به علاوه، جریان نفت جنوبی اروپا و آفریقا دیگر نمی‌تواند مهم‌ترین مسیر مستقیم صدور کالا و نفت به بازارهای آسیا از طریق کانال سوئز و تنگه باب‌المندب را طی کند (Ryan, 2015: 4-5). یمن با قرار گرفتن در منطقهٔ راهبردی خاورمیانه و با داشتن ۴/۵ میلیارد و طبق آماری دیگر ۵/۷ میلیارد بشکه نفت و ۱۶/۹ تریلیون فوت مکعب گاز، کشوری مهم و تأثیرگذار است (مقومی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۶۷). جغرافیای یمن برای کشورهای نفتی خلیج فارس و برای کشورهایی نظیر مصر و سودان نیز اهمیت دارد. تنگه باب‌المندب نقطه اتصال خلیج فارس به شمال آفریقا است. بستن تنگه باب‌المندب می‌تواند مانع دسترسی تانکرهای نفتی خلیج فارس به کانال سوئز شود و آن‌ها را به سمت نوک جنوب آفریقا منحرف کند که هم سبب افزایش زمان در تحویل نفت و هم افزایش هزینه می‌شود (دُرچ و التیامی‌نیا، ۱۳۹۹: ۲۷۰).

نقشه شماره ۱: موقعیت استراتژیک یمن



خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۰ خرداد ۱۴۰۱

موقعیت استراتژیک این کشور به لحاظ اشراق بر شاخ آفریقا و امکان کنترل تحرکات این منطقه و نیز سواحل شرقی آفریقا از طریق مرزهای دریایی جنوب و غرب یمن و نیز جزیره سوقطره و

همچنین اشراف این کشور بر تنگه باب‌المندب اهمیت مضاعفی به آن از نظر تأمین امنیت انرژی و ترانزیت کالا داده است. یمن قادر به کنترل دریای سرخ بوده و حتی می‌تواند آنجا را با دارا بودن جزیره مهم و استراتژیک «پریم» ببندد. یمن دارای جزایر زیادی با ویژگی‌های سوق‌الجیشی در دریای سرخ است که تعداد آن‌ها به ۳۸۰ جزیره می‌رسد که از آن‌ها می‌تواند در مقاصد نظامی و کنترل عبور و مرور کشتی‌ها استفاده نماید (ابوالحسن شیرازی و طبائی‌زواره، ۱۳۹۱: ۳). جزیره کاماران و پریم در غرب و جنوب دریای سرخ قرار دارند. جزیره سکوترا در کناره شرقی دریای سرخ و جزیره کوریاموریا در نزدیکی سواحل عمان موقعیت خاصی به این کشور بخشیده است. خلیج عدن و تنگه باب‌المندب که یکی از چهار تنگه راهبردی دنیاست؛ به یمن امکان می‌دهد تا بر این آبراه پر رفت و آمد و دریای سرخ اشراف داشته باشد. مجاورت مرزهای جنوبی و غربی یمن با سه کشور آفریقای سومالی، جیبوتی و اتیوپی، این کشور را با شاخ آفریقا پیوند زده است. در عین حال، احاطه بر تنگه باب‌المندب، یمن را به همه کشورهای ساحلی دریای سرخ و یا کشورهای که از آبراه دریای سرخ به عنوان کوتاه‌ترین راه حمل و نقل دریای استفاده می‌کنند؛ مرتبط کرده است. بر همین اساس، کشورهای آسیایی، آفریقایی و اروپایی همواره خود را نیازمند همکاری با دولت یمن دانسته‌اند و این موضوع همواره استعمارگران را به فکر سیطره بر این کشور انداخته است (تلاشان، ۱۳۹۱: ۱۰).

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جنبش شیعیان یمن

با در نظر گرفتن بعد فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، می‌توان گفت؛ ملت‌ها و جوامعی که وجوه بارز مشترک فرهنگی با ملت ایران دارند؛ تأثیر پذیری مثبت بیشتری دارند. در قبل از اسلام، ایران برای کنترل مسیر دریایی حمل کالا از چین و آسیای دور به امپراطوری روم با امپراطوری ثروتمند حبشه (اتیوپی کنونی) در آن سوی دریای مکران، با هدف کنترل یمن (یمن و عمان کنونی) و شمال شرق آفریقا می‌جنگید. اهمیت ژئوپلیتیک یمن برای ایران تا زمان معاصر ادامه داشته و حتی پس از حفر کانال سوئز، توسعه حمل‌ونقل دریایی جدید، کشف نفت و رقابت‌های منطقه‌ای افزایش یافته است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نمادها و شعارهای ارزشی و انقلابی ایران به شکل‌های گوناگون در یمن دیده می‌شد. پیروزی انقلاب اسلامی

موجب شد جایگاه ژئوپلیتیکی اسلام در کانون توجه قرار گیرد (جوادی‌ارجمند و بردبار مژده‌ی، ۱۴۰۲: ۱۰۹). نظام سیاسی ایران، نظامی ایدئولوژیک است که از ابتدای انقلاب اسلامی، با شعار «نه شرقی و نه غربی» ندای مبارزه با استکبار جهانی و حمایت از ملل مستضعف را سر داده است. لذا هر فردی که در رأس ریاست جمهوری این کشور قرار می‌گیرد؛ باید پایبند به ایدئولوژی نظام بوده و منافع مرتبط با اسلامیت نظام را محترم بدارد. دولت ایران، دولتی کاملاً اسلامی و انقلابی است که با توجه به مبانی ایدئولوژیک و اسلامی خود، نقش‌های متفاوتی برای خود از جمله دولت غیرمتعهد و مستقل، دولت عدالت‌جو و ظلم‌ستیز در صحنه نظام بین‌المللی تعریف کرده است (وزیری‌ستا و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۸۱).

انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر حکمرانی فرهنگی به ویژه ارزش‌هایی نظیر آموزه‌های اسلامی، مردم‌سالاری دینی، فرهنگ مقاومت و شهادت، معنویت و ولایت فقیه توانسته به احیای خودباوری دینی و بیداری اسلامی در عرصه منطقه‌ای و تأثیرگذاری بر مناسبات جهانی بپردازد و اقتدار فرهنگی و نرم‌افزاری خود را در عرصه بین‌المللی به منصفه ظهور رساند (عبداللهی و قناعتی، ۱۴۰۳: ۲۴). روی کارآمدن یک نظام سیاسی شیعی و انقلابی در ایران، نقش تشیع را به عنوان یک عنصر ژئوپلیتیک در سیاست خارجی ایران پررنگ کرد. جمهوری اسلامی ایران، تلاش نمود تا به «ایرانی‌گری رنگ شیعی بخشیده و منافع ملی خود را به مصالح شیعیان منطقه، تعمیم و نوعی سرنوشت مشترک با جنبش‌های شیعی خاورمیانه تعریف کند». تقویت نقش تشیع در سیاست خارجی ایران، دارای اهدافی چون بیرون کشیدن خود از محاصره کشورهای سنی همجوار و گسترش نفوذ در حوزه پیرامونی بوده است (ملاقلمی، ۱۴۰۳: ۱۹۱-۱۹۰). راهبرد منطقه‌ای ایران بر حفظ آرمان‌های انقلاب، افزایش قدرت در ابعاد مختلف، ارتقای نفوذ ایدئولوژیک، گسترش قدرت نرم و اثرگذاری بر معادلات و نظم منطقه‌ای قرار دارد. در اندیشه جمهوری اسلامی ایران، تحولات یمن، فرصتی امنیتی برای گسترش حوزه نفوذ سیاسی و راهبردی محسوب می‌شود که با توجه به اهمیت جغرافیایی و پیوندهای اعتقادی و سیاسی ایران با حوثی‌های یمن، بستر کنش‌های فعالانه ایران را در تحولات این کشور و منطقه فراهم کرده است. در واقع، جمهوری اسلامی ایران، یمن را وزنه تعادل در دریای سرخ و همچنین عامل نفوذ در شبه جزیره

عربستان در نظر می‌گیرد. تهران از جریان مقاومت در یمن حمایت کرده تا بتواند جایگاه خود را به سطح رهبری در جهان اسلام نزدیک‌تر کند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) موجب آگاهی و بیداری بسیاری از شیعیان به خصوص شیعیان زیدی یمن شد و به ویژه به نسل جوان‌تر آگاهی سیاسی و جرأت و جسارت بیشتری نسبت به هویت و حقوق خود بخشید. این آگاهی نسل جوان به وسیله رهبرانی انجام گرفت که خود به شدت از انقلاب اسلامی ایران و اندیشه‌های امام خمینی (ره) تأثیر پذیرفتند. از جمله این شخصیت‌ها، می‌توان به بدرالدین الحوثی اشاره کرد. بدرالدین در سال ۱۹۹۴ به ایران سفر کرد تا علوم اسلامی را به طور مستقیم در حوزه علمیه قم فراگیرد. وی که به همراه حسین الحوثی، فرزند خود، به ایران سفر کرده بود، تا سال ۲۰۰۲ در قم حضور داشت و پس از بازگشت، ساختار نوین جنبش حوثی‌ها را در یمن بنیان نهاد (بزرگمهری و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۵). شهید حسین الحوثی، رهبر جنبش الحوثی‌های یمن، با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی ایران، آشنایی با شخصیت و اندیشه‌های رهبر انقلاب و نیز الگوگیری از تفکرات ایشان، هسته مقاومت اسلامی را در کشور یمن پایه‌گذاری کرد و بیداری متأثر از اندیشه‌های اسلامی را در این کشور گسترش داد. برجسته‌ترین دستاورد ایشان، قرائت انقلاب از مفاهیم تشیع با الگو قرار دادن تفکرات و بینش امام خمینی (ره) بود که از یک سو، در مقابل نفوذ استعماری عربستان در یمن و نیز تبعیض مذهبی و سیاسی حکومت این کشور بر ضد شیعیان، ایستادگی کرد و از دیگر سو، حلقه جدیدی از مقاومت در منطقه افزود (عباسی و گلچین، ۱۳۹۴: ۸۱)؛ به گونه‌ای که وی در سخنرانی‌های خود مدام بر برائت از مشرکین، روز قدس، لزوم مبارزه با استکبار و مبارزه با رژیم صهیونیستی سخن می‌گفت. یک شعار چهاربندی که توسط جوانان در حین سخنرانی‌های حسین الحوثی تکرار می‌شد؛ عبارت بود از: الموت للأمريکا، الموت للاسرائیل، اللعنه علی‌البهود، النصر الاسلام (Cordesman, 2015: 4). در واقع، باید به نفوذ گسترده معنوی ایران نیز در میان شیعیان زیدی، به ویژه جنبش حوثی‌ها اشاره کرد که نگرانی‌های عربستان سعودی و آمریکا را هم برانگیخته است. تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن به ویژه جنبش حوثی‌ها عمیق است و در میان آن‌ها تأکید بر آرمان‌های انقلاب اسلامی مانند مبارزه با صهیونیسم و استکبارستیزی کاملاً مشهود است. با فراگیری موج بیداری اسامی و نیز خیزش

انقلابی شیعیان یمن و تأسی گرفتن از مکتب امام خمینی (ره) و حرکت استکبارستیزی انقلاب اسلامی، ایران به عنوان اُمّ القرای جهان اسلام به عنوان الگویی پیش روی انقلابیون این کشور قرار گرفت. بنابراین، این موضوع می‌تواند دست برتر ایران را در معادلات منطقه به همراه داشته باشد.

حسین الحوثی همواره از امام به عنوان امامی متقی و عادل یاد می‌کرد و در رابطه با انقلاب اسلامی ایران می‌گوید: «هر کس که در مقابل انقلاب اسلامی ایران در زمان امام خمینی (ره) ایستاد؛ نتیجه این اقدام خویش را خواهد چشید». وی امام خمینی (ره) را نمونه بارز «امام عادل لاترد دعوت»؛ یعنی امامی عادل که اطاعت از او واجب است؛ به شمار می‌آورد (نصر اصفهانی، ۱۴۰۱: ۶۶). حسین الحوثی سعی کرد روحیه آگاهی‌بخشی و بیداری را در آن‌ها بر اساس مؤلفه‌های زیر ایجاد کند: ۱- شیعی بودن و حضور پررنگ مبانی شیعه در زندگی اجتماعی؛ ۲- نقد وضعیت موجود؛ ۳- ترویج افکار امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی ایران در زمینه‌هایی همچون مبارزه با آمریکا و اسرائیل (تلاشان، ۱۳۹۱: ۱۸). دکتر عصام العمد، رئیس سابق مجلس اعلای شیعیان یمن و از شاگردان حسین الحوثی، می‌گوید: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حوادث پس از آن، شیعه در یمن گسترش زیادی داشته است. عده‌ای با کتاب‌های تیجانی و سید شرف‌الدین و عده‌ای هم با ماجراهای رهیافتگان یا تماشای شبکه‌های ماهواره‌ای شیعی، توفیق شناخت و ورود به تشیع را یافته‌اند». همچنین وی در جایی دیگر می‌گوید: «اعتراف می‌کنم که اگر انقلاب اسلامی ایران به وقوع نپیوسته بود، مذهب زیدی در یمن از بین رفته بود؛ چون تهاجم تبلیغاتی از مصر و کشورهای عربی و فیلم‌های تلویزیونی مبنی بر سنی بودن عرب و ناسیونالیسم عربی در حجم وسیعی صورت می‌گرفت، همه این‌ها موجب شده بود که همین ۶/۵ میلیون زیدی، با ظاهر زیدی باشند. با وقوع انقلاب اسلامی و انتشار کتاب‌های شیعه در یمن، خود زیدی‌ها به مذهب زیدی برگشتند» (عباسی و گلچین، ۱۳۹۴: ۸۴-۸۳).

یحیی محمد، فعال سیاسی یمن و عضو جنبش انصارالله، در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن، پیرامون تأثیرپذیری شیعیان یمن از انقلاب اسلامی گفت: «کافی است که بگویم حرکت و جنبش انقلابی یمن با الهام از اندیشه امام خمینی (ره) آغاز شده و خواست اصلی انقلابیون و اجرای عدالت و دموکراسی در کشور، کوتاه کردن دست قدرت‌های جهانی از یمن

و حفظ استقلال است. یحیی محمد یادآور شد؛ انقلاب اخیر یمن و پیروزی که انقلابیون کسب کردند با الگوگیری و پیروی از انقلاب اسلامی ایران محقق شد و انقلاب یمن قدم به قدم از انقلاب ایران متأثر است و خط مشی انقلاب ایران را پی گرفته است. ایشان حمایت از فلسطین و مقاومت در برابر ظلم و ستم اشغالگران را از اصول مهم انقلاب اسلامی برشمرد و انقلاب‌های عربی و قیام مردم یمن نیز متأثر از اندیشه‌های انقلاب اسلامی ایران و مقابله با ظلم و ستم رژیم صهیونیستی می‌باشد. وقوع انقلاب اسلامی در ایران با استقبال گسترده شیعیان زیدیه یمن روبرو شده و آن‌ها لقب امام را برای آیت‌الله خمینی (ره) برگزیدند؛ لقبی که تاریخ زیدیه به ندرت به کسی اختصاص می‌دهد. در طول مبارزات حوثی‌ها با دولت مرکزی نیز بارها تصاویری از امام خمینی، مقام معظم رهبری و سید حسن نصرالله در دفاتر روسای شیعیان زیدیه دیده شده است. امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در یمن بخصوص نزد حوثی‌ها جایگاه ویژه‌ای دارند. به نظر حسین الحوثی، امام خمینی (ره) بزرگ مردی از سلاله خاندان نبوت و معدن رسالت است (طباطبائی‌فر، ۱۳۹۴: ۲۸۱). محمد عبدالسلام، سخنگوی جنبش انصارالله یمن، در دیدار با رهبر معظم انقلاب می‌گوید: «ما ولایت شما را امتداد خط پیامبر اسلام (ص) و ولایت امیرالمؤمنین (ع) می‌دانیم و مواضع حیدری و علوی شما در حمایت از مردم مظلوم یمن را ادامه خط امام خمینی (ره) و مایه برکت و بسیار روحیه بخش می‌دانیم» (پیرانی، ۱۴۰۰: ۸۱۳). از وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ میلادی به بعد، در یمن شیعیان زیدی اردوهای در فصل تابستان در شهرها و استان‌های گوناگون برگزار می‌کنند که ۳۰-۲۵ هزار دانش آموزان مقاطع گوناگون از دبستان تا دبیرستان را در بر می‌گیرد. در تمام این اردوگاه‌ها، کتاب‌های شخصیت‌های علمی برجسته ایران، از جمله شهید مطهری و شهید دستغیب تدریس می‌شود. فیلم‌های ترجمه شده ایرانی به نمایش گذاشته می‌شود. این در حالی است که هیچ کمک مادی از سوی جمهوری اسلامی ایران به آن‌ها نمی‌شود و این اردوها با حداقل امکانات برگزار می‌گردد (هاشم‌پور و حقیقی، ۱۳۹۹: ۲۳۷-۲۳۶). بر این اساس، ایران می‌خواهد نفوذ سیاسی خود را در یمن گسترش دهد تا از طریق قدرت نرم و با حداقل سرمایه‌گذاری، اهداف خود را پیش ببرد؛ چرا که به طور کلی بیشتر حوثی‌ها به ایجاد روابط با ایران تمایل دارند. نکته اساسی این که مبانی ایدئولوژیک و نقش‌آفرین فعال جمهوری اسلامی ایران در بحران یمن، بسترهای لازم

برای کنشگری هویت‌بخش و بقامحور کشور را به وجود می‌آورد. کشور یمن به دلیل وجود مبانی دینی و اعتقادی مشترک با جمهوری اسلامی ایران، پیوندهای تاریخی و فرهنگی میان دو کشور، قرار گرفتن در ژئوپلیتیک بیداری اسلامی، از اهمیت قابل ملاحظه‌ای جهت حفظ نفوذ ایران در منطقه و تداوم ارزش‌های انقلاب اسلامی برخوردار است. حفظ روابط و همکاری‌ها میان دو کشور به منزله ابزاری کارآمد و مؤثر برای ایجاد و توسعه بازدارندگی در مقابل توسعه-طلبی عربستان و از سویی، گسترش نفوذ ایدئولوژیکی تهران در حوزه خلیج فارس و دریای عمان قلمداد می‌شود.

یمن یکی از اضلاع مهم مد نظر ایران جهت تقویت عمق استراتژیک در جنوب غرب آسیا می‌باشد. ایران تا پیش از شروع جنگ‌های شش‌گانه حوثی‌ها و دولت مرکزی بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ بازیگر محوری در تحولات کشور یمن به حساب نمی‌آمد و عمده ارتباط ایران با زیدی‌ها در شهر صنعا و بیشتر حول محور مسائل فرهنگی و مذهبی بود. تحولات بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ و همچنین شروع تحولات در کشورهای عربی منجر به این شد که تهران حمایت از حوثی‌ها و تلاش جهت نقش‌آفرینی و نفوذ بیشتر در کشور یمن را بیش از پیش افزایش دهد. از این‌رو، بحران کنونی منجر به تقویت نقش ایران در یمن شده است (Feierstein, 2018: 3). ایران همچنین در تلاش بوده است تا جنبش حوثی‌های یمن را در پرتو انقلاب ایران به عنوان یک «بیداری اسلامی» قلمداد کند (Chubin, 2012: 21). حمایت تهران از توانمندسازی مردم یمن با نقش‌سنگر انقلاب‌ها سازگار است. پس از برکناری علی عبدالله صالح از قدرت در ۲۷ فوریه ۲۰۱۲، تهران از آرمان حوثی‌ها حمایت کرد و پیشرفت آن‌ها را جشن گرفت. یک روحانی ایرانی از ظهور حوثی‌ها به‌عنوان یک «سازمان سیاسی» مطلوب صحبت کرد و بیان داشت که آن‌ها باید «نقشی مشابه نقش حزب‌الله در لبنان» ایفاء کنند (Cerioli, 2018: 307).

از جهت گرایش‌های اعتقادی و سیاسی شیعیان یمن بالاخص حوثی‌ها با ایران ارتباط، قرابت و نزدیکی زیادی دارند و همین موضوع سبب شده است که ساکنان یمن از ایران به عنوان رهبر جهان تشیع به دنبال الگوبرداری از حکومت دینی اصیل باشند و این موضوع زمینه‌ساز عمیق شدن قدرت جمهوری اسلامی ایران و کاهش قدرت عربستان و وهابیت در این کشور شود و همچنین در مقابل عربستان در منطقه جنوبی موازنه استراتژیک را ایجاد کند. از نظر اعتقادی، حوثی‌ها در

عین وجود تفاوت‌هایی، ارتباط بسیار نزدیکی با شیعیان دوازده امامی دارند. آنان «تقیّه» را نمی‌پذیرند و معتقدند در هر زمان و تحت هر شرایطی باید علیه ظلم و ستم شوريد و به اعتقاد فرقه زیدی در صورتی اطاعت از امام واجب است که با صفات چهارده‌گانه‌اش ظهور کند. از نظر بسیاری از آن‌ها، امام خمینی (ره) به دلیل آشکار بودن تمامی صفات امامت، امام زمانه محسوب می‌شد. از عوامل دیگری که زمینه تعلق شیعیان یمنی به انقلاب اسلامی را فراهم کرد؛ می‌توان به اشتراک در اصول مذهب و جذابیت‌های مکتب جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد و در همین جهت بود که شعارهای جریان حوثی متأثر از اندیشه ضد امپریالیستی نهضت انقلاب ایران بود (دشتی و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۲). وجود شیعیان زیدی در درون جامعه یمن که تقریباً یک سوم از ترکیب جمعیتی ۶۱ میلیون نفری این کشور را تشکیل می‌دهند؛ یکی از راهبردی‌ترین فرصت‌ها در جهت تأمین منافع ملی ایران است؛ چرا که شرایط و تحولات اخیر حاکی از آن است که جایگاه این گروه که بزرگ‌ترین اقلیت در یمن هستند، در معادلات سیاسی آتی در این کشور پررنگ‌تر خواهد شد. به همین دلیل، مشارکت و حضور زیدی‌ها در ساختار سیاسی یمن می‌تواند جهت‌گیری سیاست خارجی یمن را نسبت به جمهوری اسلامی ایران تغییر دهد و در نهایت به سمت یک رابطه راهبردی سوق دهد. به علاوه این که، بیشتر شهروندان یمنی به جمهوری اسلامی ایران تعلق خاطر دارند و حمایت عمومی از جنبش انصارالله و شیعیان حوثی نیز بر علاقه دوچندان آن‌ها به ایران افزوده است؛ هرچند حمایت تهران همواره جنبه معنوی داشته است (باقری‌ا و دیگران، ۱۴۰۲: ۵۹-۵۸). لذا وجود یک دولت شیعه و پایدار در یمن در راستای اهداف استراتژیک ایران است که کارت یمن، برگ‌برنده‌هایی را در اختیار ایران جهت حفاظت از محور مقاومت و شیعیان قرار می‌دهد. بنابراین، ایران به دنبال آن است تا با بهره‌گیری از این کارت بر عربستان اعمال فشار نماید تا در یمن از فعالیت خود بکاهد و از ناحیه مرزهای جنوبی این کشور عقب‌نشینی کند.

نزدیکی وجوه فکری و رفتاری جنبش انصارالله با مبانی بینشی شیعیان امامیه و به تبع آن الزامات گفتمانی انقلاب اسلامی، سبب شده است تا عبدالرحمن الراشد، دبیر سابق روزنامه الشرق الاوسط و از چهره‌های کلیدی عربستان در حوزه رسانه، حوثی‌ها را «تندروهای ایرانی» بنامد (خضری و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۹۴). هر چند که زیدی‌ها مبانی فقهی متفاوتی با انقلاب اسلامی

ایران داشتند؛ اما الگوی قیام امام خمینی (ره) برای آن‌ها دلپذیر بود. در واقع پیروزی انقلاب اسلامی سبب شد تا زیدیه از یک جریان سنتی و محافظه‌کار مجدداً به جریانی انقلابی و پیشرو تبدیل شود. پس از انقلاب اسلامی ایران، بسیاری از عالمان زیدی، به ویژه طلبه‌های جوان، توجه خاصی به امام خمینی (ره) پیدا کردند؛ به نحوی که امام خمینی (ره) برای آن‌ها امامی بود که برای حق قیام کرده بود. حتی می‌توان به این نکته اشاره کرد که زیدی‌ها بر این اعتقادند که امام باید از نسل حسین (ع)، عالم و قیام‌کننده با شمشیر باشد. بنابراین بسیاری از یمنی‌ها سه شرط بالا را در امام خمینی (ره) می‌دیدند و اطاعت از ایشان را واجب می‌دانستند و اکنون نظیر این اعتقاد را نیز نسبت به مقام معظم رهبری (مدظله العالی) دارند (خواجeh سروی و شهرکی، ۱۳۹۱: ۲۰۷).

جمهوری اسلامی ایران به عنوان رهبر جبهه مقاومت در منطقه و حامی نهضت‌های رهایی‌بخش در سراسر جهان مطرح بوده است؛ اما این مسأله هیچگاه به معنی تمایل ایران به مداخله در امور داخلی کشورهای دچار بحران نبوده است. شیعیان یمن و به ویژه حوثی‌ها به لحاظ گرایش‌های سیاسی و اعتقادی نزدیکی زیادی به ایران دارند و همین مسأله موجب شده که مردم یمن از ایران به عنوان رهبر جهان تشیع برای تشکیل یک حکومت دینی اصیل، الگوبرداری کنند و در این راستا، از حمایت‌های معنوی ایران بهره ببرند. این مسأله منجر به تعمیق قدرت جمهوری اسلامی ایران در یمن و از سویی، کاهش قدرت عربستان و وهابیت در این کشور شده و موازنه استراتژیک را در مقابل عربستان در منطقه جنوبی یمن ایجاد کرده است (مروتی و امانی‌خجسته، ۱۳۹۸: ۸۷).

یکی از عوامل تأثیرگذار در ارتقای ژئوپلیتیکی شیعیان در یمن، رسانه‌های مدافع انقلاب اسلامی بوده است. یکی از کارشناسان مسائل خاورمیانه می‌گوید: «رادیوی عربی جمهوری اسلامی ایران تنها رسانه در دسترس شیعیان یمن است». وی بیان می‌دارد: «سال‌ها شیعیان یمن به عنوان مخاطبان خاموش صدای ایران، در محرومیت کامل فرهنگی بوده‌اند و به رغم کمبود منابع فرهنگی از قبیل کتاب و دسترسی به روحانیان شیعه، در تقویت پایه‌های مذهبی خود کوشیده‌اند.» درباره شیعیان دوازده امامی یمن، این نکته قابل ذکر است که تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، تعداد اندکی از شیعیان دوازده امامی در یمن یافت می‌شدند که بسیار پراکنده بودند. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی جهشی در این زمینه ایجاد شد و آن‌ها برای خود تشکیلاتی ایجاد کردند.

بیشتر شیعیان دوازده امامی یمن رهیافتگانی هستند که قبلاً مذهب دیگری داشته‌اند. تعداد این رهیافتگان روز به روز در حال افزایش است؛ به گونه‌ای که در بسیاری از خانواده‌های شیعه مذهب، دست کم یک رهیافته وجود دارد. به برکت پیروزی انقلاب اسلامی، وضعیت شیعیان یمن دگرگون شده است. برای مثال؛ تا پیش از انقلاب اسلامی ایران، هیچ حسینه‌ای در یمن برای شیعیان وجود نداشت. اما پس از این واقعه، چندین حسینه در مناطق گوناگون یمن ساخته شد و شیعیان مساجد و اماکن مخصوص خود را گسترش دادند. از دیگر تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر یمن، تغییر و تحول مراسم مذهبی آن‌هاست. برخی از مراسمات همانند عزاداری روز عاشورا و دعای کمیل به تدریج، از شیعیان دوازده امامی وارد جامعه شیعیان زیدی شده است (تلاشان، ۱۳۹۱: ۲۰-۲۱). این مراسمات تا پیش از انقلاب اسلامی، در میان زیدی‌ها مرسوم نبود؛ ولی در حال حاضر، تعداد زیادی از شیعیان زیدی روش ایرانیان و شیعیان عراق را یاد گرفته‌اند و در روز عاشورا روضه‌خوانی و سینه‌زنی می‌کنند. گرایش به خواندن دعای «کمیل»، مفاتیح‌الجنان و بعضی از دعا‌های شیعیان پس از انقلاب اسلامی زیاد شده است. لذا وقوع انقلاب اسلامی ایران است که حس تشیع آن‌ها را زنده کرد و منجر به گسترش حوزه قلمروی ژئوپلیتیک شیعه در یمن شد.

علامه بدرالدین، رهبر معنوی حوثی‌ها، علاقه فراوانی به امام خمینی (ره) و جمهوری اسلامی ایران داشت و رهبر عظیم‌الشأن انقلاب را «امام المسلمین» و «مفترض الطاعة» می‌خواند و در این راستا؛ در اسفند ماه سال ۱۳۵۷ گروهی از علمای زیدیه را برای بیعت با حضرت امام راهی تهران کرد. این اولین هیئت از جهان اسلام بود که با حضرت امام (ره) دیدار کرد. بدرالدین با ارتحال حضرت امام، بار دیگر هیئتی را به ایران اعزام کرد تا به نمایندگی از زیدیه با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) بیعت کنند. سربازان زیدی ارتش یمن نیز تحت تأثیر فتوای بدرالدین بودند که عزیمت به جنگ عراق علیه ایران را قبول نمی‌کردند و زندان را بر حضور در این جنگ ترجیح می‌دادند. در رابطه با تأثیرپذیری حسین الحوثی از انقلاب ایران، امام خمینی (ره) و سید حسن نصرالله، دکتر عصام العمداد، در پاسخ به این پرسش که آیا «همان ارتباط عاطفی که میان سید حسن نصرالله و آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) و نظام ایران وجود دارد؛ میان سید حسین الحوثی و عبدالملک حوثی با آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز وجود دارد؟» چنین پاسخ می‌دهد: «صد در صد بله! سید حسین حوثی در همه نوارهای خودش می‌گوید که امام خمینی (ره) شخصیت

مقدس زمان ما بود و ارتباط سید حسین الحوثی با امام خمینی (ره) مثل ارتباط سید حسن نصرالله با آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) است (خواجهمسروی و شهرکی، ۱۳۹۱: ۲۱۰-۲۰۸). حوثی‌ها برای جمهوری اسلامی ایران به سه دلیل مزیت راهبردی دارند: نخست، به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک تنگه باب‌المندب که تسلط حوثی‌ها بر این تنگه به عنوان رگ کشتیرانی در کانال سوئز و هم چنین بندر الحدیده حاکمیت متحدان منطقه‌ای ایران را تقویت کرده و کنترل کشتیرانی از خلیج فارس تا کانال سوئز را برای ایران میسر می‌سازد. دوم، این گروه به مثابه ابزاری برای اعمال بازدارندگی در برابر عربستان و متحدانش عمل می‌کند. آن چنان‌که حزب الله در جهت بازدارندگی در برابر رژیم صهیونیستی برای ایران ایفای نقش کرده است. سوم، توان بالقوه‌ای برای تحرک و گسترش صدور انقلاب در شبه جزیره عربستان به واسطه وجود شیعیان به ویژه در استان‌های شرقی عربستان است (وزیریان، ۱۳۹۹: ۷۴-۷۳).

پیشرفت‌های اخیر حوثی‌ها در یمن به مثابه موجی فزاینده است که می‌تواند تلنگری جدی برای مخالفان ایران باشد؛ چرا که موقعیت ژئواستراتژیک یمن و تسلط کامل بر بندر الحدیده و تنگه باب‌المندب باعث نفوذ گروه‌های شیعی تا دهانه دریای سرخ محسوب می‌شود. لذا این امر یک دستاورد مهم برای تهران به عنوان رقیب ایدئولوژیک ریاض محسوب می‌شود. به این ترتیب، تسلط شیعیان بر یمن باعث شده تا عربستان از نظر سیاسی در محاصره قرار گیرد؛ زیرا مجبور خواهد شد واقعیت جدید این کشور را بپذیرد. از طرفی، تغییر جغرافیای سیاسی منطقه نیز راه را برای متحد ایرانی هموار نموده تا جای پای در یمن به دست آورد و برگ‌های برنده‌ای برای تأثیر در منطقه داشته باشد. به همین دلایل، عربستان راهبرد امنیتی و الگوهای رفتاری جدیدی حتی به صورت جنگ در یمن به وجود آورده است (محمدی عزیزآبادی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷۹). در واقع، وجود یک دولت شیعه و پایدار در یمن در راستای اهداف استراتژیک بی‌چون و چرای ایران است. بدین خاطر که کارت یمن، برگ‌برنده‌هایی را در اختیار ایران جهت حفاظت از محور مقاومت و شیعیان قرار می‌دهد. بنابراین ایران به دنبال آن است تا با بهره‌گیری از این کارت بر عربستان اعمال فشار نماید تا در یمن از فعالیت خود بکاهد و از ناحیه مرزهای جنوبی این کشور عقب‌نشینی کند. بر این اساس، ایران می‌خواهد نفوذ سیاسی خود را گسترش دهد تا

از طریق قدرت نرم و با حداقل سرمایه‌گذاری، اهداف خود را پیش ببرد؛ چرا که به طور کلی، بیشتر حوثی‌ها به ایجاد روابط با ایران تمایل دارند.

نگرانی ژئوپلیتیکی عربستان از قدرت‌یابی شیعیان یمن

عربستان و یمن طی سه دهه گذشته به دلایل مختلف سیاسی و استراتژیک روابط پیچیده و ویژه‌ای با یکدیگر برقرار کرده‌اند. از زمان اتحاد یمن شمالی و جنوبی در دهه ۱۹۹۰، این روابط ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت. در نگاه راهبردی عربستان، یمن از جایگاه برجسته‌ای در مجاورت جغرافیای سیاسی این کشور برخوردار است. موقعیت جغرافیایی یمن و ماهیت و نوع رابطه آن با عربستان در دهه‌های گذشته، این کشور را از نظر تأثیرگذاری بر امنیت ملی عربستان در سطح کشورهای شورای همکاری خلیج فارس قرار می‌دهد. به همین دلیل، عربستان سعودی در تمامی بحران‌ها و تحولات دهه‌های گذشته در یمن بازیگری فعال و تأثیرگذار بوده است. سعودی‌ها تحولات داخلی یمن را از نزدیک رصد کرده‌اند (Adami And Pouresmaeili, 2013: 167). وجود شمار قابل توجهی از شیعیان در یمن و تأثیرپذیری آن‌ها از ایران که به ویژه در جنبش انصارالله کاملاً نمایان است؛ یکی از دغدغه‌های عربستان است. عربستان هم‌اکنون در یک شرایط و وضعیت خاصی قرار گرفته است و رهبران آن احساس می‌کنند وضعیت در حال تهدید شدن از نوع حیاتی است. همیشه تهدیدات بزرگ نظامی، حیاتی تلقی می‌شوند. تهدید حیاتی به تهدیدی گفته می‌شود که حاکمیت یک کشور را با تهدید اساسی مواجه می‌سازد. عربستان در شرایط کنونی از جنوب با تهدید سنگین امنیتی از سوی یمن مواجه است و این تهدید از طریق سه استانی که با زیدی‌ها پیوند عمیق دارند؛ به داخل عربستان کشیده می‌شود. این سه استان شامل عسیر، جیزان و نجران هستند که در مرز با یمن قرار دارند. این‌ها متصل به هم هستند و با مناطق زیدینشین یمن در ارتباط هستند. از این‌رو، این تهدید به درون خاک عربستان امتداد می‌یابد. از طرف دیگر، جمع این دو گروه، یعنی جمع هفت استان مجاور هم در عربستان و یمن شامل جیزان، نجران، عسیر، صعده، عمران، حجه و صنعا مشترکاً یک تهدید امنیتی برای آل سعود به حساب می‌آیند؛ زیرا با منطقه الشرقیه عربستان با اکثریت جمعیت شیعه که پهناترین استان عربستان محسوب می‌شود؛ اتصال پیدا می‌کند. منطقه الشرقیه از شمال

آغاز و در ادامه به جنوب و شرق عربستان می‌رسد و به سه استان مرزی عسیر، جیزان و نجران امتداد پیدا می‌کند (امامی‌راد و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۹۱).

زیدی‌ها اگر پیروز جنگ با عربستان شوند، بر روی هم‌کیشان خود در داخل عربستان که جمعیتی بالغ بر سه میلیون نفر هستند؛ تأثیر می‌گذارند و یک اتصال جمعیتی بزرگی را پدید می‌آورند. جمعیت زیدی‌ها در یمن دوازده میلیون نفر است. همچنین در داخل عربستان جمعیت زیدی‌ها و اسماعیلی‌ها به سه میلیون نفر می‌رسد؛ منطقه الشرقیه عربستان نیز دارای ۵/۴ میلیون جمعیت شیعه است؛ همه این‌ها روی هم به ۲۰ میلیون نفر می‌رسند. این منطقه گسترده از شمال به بصره و سماوه و ناصریه در عراق متصل می‌شود که باز هم مناطقی شیعه‌نشین هستند و هفده میلیون نفر جمعیت دارند. همین جمعیت به شیعیان بحرین که اکثریت ۷۰ درصدی جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند، متصل شده و در نهایت به جمعیت شیعه ایران که در استان خوزستان حضور دارند؛ می‌رسد. با این تفصیل جغرافیای شیعه در مجموع عربستان را به طور کامل در برمی‌گیرد و در واقع یک اتصال نسبتاً کاملی گرداگرد عربستان به وجود می‌آورد. بنابراین عربستان جنبش شیعیان و تشکیل دولت شیعی در یمن را مشکلی بزرگ برای رژیم خود می‌بیند. اعتقاد حکومت سعودی بر این است که شیعیان با حکومت ایران و همچنین شیعیان سعودی پیوند نزدیکی دارند به گونه‌ای که هر نوع موفقیت شیعیان به سرعت شیعیان سعودی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در ضمن سبب افزایش نفوذ و اعتبار ایران خواهد شد (Salisbury, 2015: 5). از این رو، مقامات ریاض و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن، قدرت‌یابی شیعیان حوثی و به دست گرفتن معادلات قدرت از جانب آن‌ها را با نگرانی دنبال می‌کنند و این امر را یک کودتا برای تسلط بر صنعا قلمداد می‌کنند.

از زمان ظهور جنبش شیعی صعده و اتحاد قبایل شیعه در استان‌های صعده و عمران، عربستان سعودی این تحولات را با دقت بیشتری دنبال کرده است. علاوه بر این، خاک یمن پناهگاه امنی برای مخالفان سیاست‌های عربستان محسوب می‌شود. بنابراین، عربستان سعودی به امنیت در امتداد مرزهای طولانی خود با یمن نیاز دارد. این مرزها از قدیم‌الایام همواره نگرانی را برای دولتمردان سعودی ایجاد کرده است. ریاض همیشه ایران را به حمایت از شورشیان شیعی یمن متهم کرده است. بدین ترتیب، در نوامبر ۲۰۱۰، یک حمله هوایی علیه مواضع شورشیان یمنی انجام داد

(Adami And Pouresmaeili, 2013: 168). پیروزی انقلاب اسلامی ضمن احیای شیعیان، موجبات خروج از انزوا و گسترش ژئوپلیتیک شیعه را در کشورهای چون بحرین، یمن، عراق و ... فراهم کرد. بر همین اساس، به عقیده ریاض، تهران در صدد است در قسمت جنوبی عربستان، تکیه‌گاه شیعی ایجاد کند. عربستان از تشکیل یک نظام سیاسی توسط حوثی‌ها و ورود آن‌ها به استوانه‌های قدرت در یمن نیز نگران هستند. قدرت‌گیری حوثی‌ها در یمن، عربستان را در محاصره «کمر بند شیعی» و «تنگنای ژئوپلیتیک» قرار می‌دهد و توان، ظرفیت و نیز اهرم‌های اعمال فشار ایران بر عربستان و متحدان منطقه‌ای آن کشور را افزایش خواهد داد. این امر به معنی توسعه عمق استراتژیک ایران در منطقه و محاصره عربستان با شیعیان است که بی‌تردید برای عربستان تحمل‌ناپذیر خواهد بود. عربستان سعودی به مثابه متحد منطقه‌ای آمریکا از این‌که یمن به متحد ایران تبدیل شود؛ به شدت هراس و بیم آن دارد که این رویدادها تمامی شبه جزیره عربستان را بر علیه خاندان سعودی برانگیزد (Nazemroaya, 2015: 1-5). عربستان به شدت نگران نفوذ منطقه‌ای ایران به ویژه در میان شیعیان است و تلاش می‌کند تا نقش و نفوذ آن را کاهش دهد. مقامات سعودی از نظم شکل گرفته در یمن به هیچ وجه رضایت نداشته و به انحای مختلف خواهان برهم زدن آن و تغییر معادلات سیاسی به نفع خود هستند. در واقع، حکومت سعودی با شکل‌گیری هر نوع موازنه قدرت و نظم ژئوپلیتیکی جدید برپایه قدرت-یابی شیعیان در منطقه، مقابله نموده است.

مشاری الذایدی^۱ در روزنامه الشرق الاوسط چاپ لندن می‌نویسد: «حوادث این روزهای یمن در مقایسه با تحولات عراق و سوریه اگر نگوییم مهم‌تر است؛ حداقل برای کشورهای عربی منطقه و به ویژه عربستان از اهمیت یکسانی برخوردار است. فعالیت جنبش انصارالله یمن یک پروژه پیچیده و هجومی ایرانی است. این جنبش برای عربستان و اعراب از نظر راهبردی بزرگ‌ترین خطر است. جنبش یمنی انصارالله کاملاً مربوط به ایران است» (غلامی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۱). از این‌رو، سعودی‌ها کاهش حضور و قدرت یافتن شیعیان حوثی و جریان‌های نزدیک به آن در یمن را عمده‌ترین استراتژی خود در دهه نخستین قرن ۲۱ اعلام کردند. در این زمینه سعودی‌ها با قدرت‌گیری انصارالله در یمن به شدت احساس خطر کرده و برای از بین بردن

1. Mishari al-Dhaidi

حوثی‌ها و تضعیف یا مقابله با نفوذ ایران در منطقه، دست به لشکرکشی و جنگ در یمن زده‌اند (همتی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۱۴). مهم‌ترین استدلال سعودی‌ها در توجیه تجاوز نظامی به یمن، تسلط حوثی‌ها بر یمن با طراحی ایران و تهدیدات آن برای امنیت دولت سعودی، منطقه خاورمیانه و تنگه باب‌المندب است. در واقع، قدرت‌یابی انصارالله به منزله توسعه محور مقاومت تا شبه جزیره عربستان و در حکم گسترش نفوذ ایران خواهد بود. لذا مقامات ریاض به شدت از قدرت‌گیری حوثی‌های متأثر از انقلاب اسلامی ایران در هراس هستند و برای جلوگیری از نفوذ اندیشه‌های انقلابی و شیعی به مرزهای خود و در نتیجه بیداری مسلمانان شیعه این کشور، اقداماتی تهاجمی انجام داده‌اند.

مقامات سعودی معتقدند؛ حوثی‌ها به دلیل ارتباط آشکار با ایران، تهدیدی مهم برای امنیت منطقه هستند. در منطق عربستان، اتخاذ موضع نظامی علیه این گروه راهی برای کنترل گسترش نامطلوب ایران در کل شبه جزیره است (Clausen, 2015: 20). مقامات عربستانی، ایران را به یک مار تشبیه می‌کنند که هر از گاهی سر از حیات خلوت این کشور بیرون می‌آورد و به همین خاطر امروزه ترسی واقعی از محاصره شدن توسط تهران را دارند. در همین رابطه، سلمان شیخ^۱ مدیر مرکز بروکنیگز در دوحه قطر، در گفتگو با دلی تلگراف می‌گوید: «از نظر عربستان این پیشروی انصارالله در یمن احساس محاصره شدن توسط ایران را تقویت کرده است که در حال تعمیق روابط خود با دولت شیعی عراق و متحد منطقه‌ای خود بشار اسد است». ایران به شدت در شمال عربستان، در سوریه، لبنان و عراق نفوذ دارد و سعودی‌ها نمی‌خواهند ببینند این کشور در مرزهای جنوبی آن‌ها نیز جای پای خود را محکم کرده است. این احساس تهدید از جانب ایران، چه واقعی باشد و چه خیالی، یکی از اصلی‌ترین توجیهاتی است که سعودی‌ها جهت مشروعیت بخشیدن به دخالتشان در یمن ارائه می‌دهند. سعودی‌ها این گونه القاء می‌کنند که ایران به دنبال تشکیل حزب‌الله دیگر در مجاورت مرزهای این کشور است و چنانچه در مقابل جنبش انصارالله کوتاه بیایند؛ عملاً یک کمر بند انحصاری و امنیتی به دور آن‌ها کشیده خواهد شد. لذا حمله به یمن گریزناپذیر بوده است (امامی‌راد و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۹۳-۲۹۲).

1. Salman Shaikh

هدف اساسی مقامات سعودی بازگرداندن یک رژیم باثبات متحد در یمن و تثبیت جایگاه عربستان به عنوان رهبر منطقه‌ای است. برای تحقق این هدف، ریاض در حال حاضر ظرفیت‌های نظامی و اقتصادی خود را به کار می‌گیرد، هزینه‌های نظامی را افزایش می‌دهد و اصلاحات اقتصادی اساسی مانند؛ چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان را توسعه می‌دهد. عربستان سعودی جنگ علیه حوثی‌ها را یک مبارزه ایدئولوژیک علیه ایران قلمداد می‌کند و اذعان دارد که «هیچ نتیجه‌ای جز پیروزی کامل قابل قبول نیست». عربستان سعودی، گفتمان فرقه‌ای را برای توجیه مداخله در یمن به کار گرفته است. ریاض که زیدی‌ها را به صورت اشتباه به عنوان شیعه مطرح می‌کرد؛ خود را به عنوان حافظ مذهب سنی معرفی کرد که باید با یک منبع فرضی بی‌ثباتی منطقه‌ای مبارزه کند. نکته جالب توجه این است که روایت سعودی‌ها در قالب‌بندی حوثی‌ها به عنوان شیعیان متحد ایران مؤثر بوده است. بسیاری از رسانه‌های داخلی و بین‌المللی، پس از دو سال جنگ، به تدریج، اختلافات بین زیدیان و شیعیان را کنار گذاشتند و از عبارت «حوثی شیعه» استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، یکی از رهبران یک گروه ضد حوثی در مصاحبه‌ای با الجزیره، مخالفان خود را «فارس» نامید (Ceriola, 2018: 309).

در حال حاضر سعودی‌ها تمام تلاش خود را معطوف این مسأله کرده‌اند تا از تبدیل شدن انصارالله به مدلی مانند الگوی حزب‌الله لبنان جلوگیری کنند. از این جهت، می‌بایست علت ورود مستقیم عربستان به مسأله یمن و نیز تلاش برای چینش عناصر دلخواه در ساختار قدرت در این کشور را در چارچوب رقابت منطقه‌ای با ایران و البته ناشی از فهم آنان از ارتباطات جمهوری اسلامی با جریان‌ات اسلام‌گرایی منطقه‌ای دانست. خبرگزاری رویترز در گزارشی ضمن برشمردن برخی وجوه اشتراک حوثی‌ها و حزب‌الله، می‌نویسد: «اکنون یمن به مانند عراق، سوریه و لبنان، قلب پیکار برای تأثیرگذاری منطقه‌ای بین ایران و عربستان شده است» (غلامی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۱-۱۱۰). در بستر مناسبات کنونی در یمن «ریاض از این مسأله که دولتی شیعه و نزدیک به ایران، در مجاورت مرزهای این کشور بر سر کار آید، ناخشنود است و آن را در عین حال که بر هم زننده موازنه قوا در منطقه می‌داند؛ تهدیدی برای صدور نفت خام خود از تنگه باب‌المندب و دریای سرخ نیز محسوب می‌کند. دسترسی مستقیم به دریای عرب از وابستگی سعودی به خلیج فارس می‌کاهد و نیز ترس این کشور از توانمندی ایران برای بستن

تنگه هرمز را کاهش می‌دهد (کشیشیان سیرکی و سهیلی نجف آبادی، ۱۳۹۸: ۲۰۹-۲۰۳). پس از تسلط انصارالله بر صنعا و بیشتر مناطق یمن و با توجه به ارتباط معنوی انقلاب اسلامی ایران با رهبران این جنبش، این ترس و هراس در آمریکایی‌ها، سعودی‌ها و گروه‌های ضد ایرانی و شیعی به وجود آمد که جمهوری اسلامی در پی افزایش نفوذ و اقتدار خود در منطقه و تشکیل دولتی شیعی در یمن با هدف تغییر موازنه قوا به سود خود و تقویت محور مقاومت است (عباسی و گلچین، ۱۳۹۴: ۹۶).

عربستان سعودی، ایران را به عنوان یک دولت شیعه می‌داند که تلاش می‌کند حوثی‌ها و هویت شیعی آن‌ها را به عنوان ابزاری برای گسترش قدرت نرم و قدرت ایدئولوژیک خود به مرزهای جنوبی و شرقی عربستان سعودی مورد استفاده قرار دهد. در واقع، عربستان سعودی دستاورد حوثی‌ها در یمن را به عنوان پیشرفتی برای نفوذ ایران می‌بیند (Mohammad Nia And Seifi, 2015:108- 109) که این امر باعث صف‌آرایی سعودی‌ها در برابر شبه‌نظامیان حوثی گشت. تسلط بر منابع نفتی موجود در نواحی شیعه‌نشین یمن، از اهداف عربستان برای رویارویی با حوثی‌ها بوده است. گروه الحوثی، اگرچه ظاهراً جزء زیدی‌ها محسوب می‌شود؛ اما نزدیکی افکار و عقاید آن‌ها به مکتب شیعه اثنی عشری، حساسیت‌های بیشتری را نسبت به این گروه به وجود آورده که این موضوع می‌تواند انگیزه دیگری برای مقابله عربستان با شیعیان الحوثی باشد (خواججه‌سروی و شهرکی، ۱۳۹۱: ۲۱۱). در واقع، عربستان قدرت‌گیری شیعیان زیدی در یمن را برابر با افزایش قدرت منطقه‌ای ایران تعبیر نموده و خود را در محاصره شیعیان می‌بیند. از این رو، مقابله با نفوذ ایران در عراق، لبنان، سوریه و نزدیک‌ترین همسایه‌های خود یعنی بحرین و یمن از مهم‌ترین اهداف عربستان در منطقه است که این امر می‌تواند به تغییر موازنه قدرت منطقه ای به نفع ریاض و متحدان آن در غرب آسیا کمک نماید.

یمن با توجه به جمعیت و پتانسیل‌های موجود، بزرگ‌ترین رقیب عربستان در شبه‌جزیره و نیز بزرگ‌ترین تهدید بالقوه در برابر جایگاه عربستان در این منطقه به حساب می‌آید. به باور عربستان که ایران را جدی‌ترین رقیب منطقه‌ای خود می‌داند؛ نفوذ و توان اثرگذاری ایران در غرب آسیا بسیار افزایش یافته است و صعود شیعیان به رأس هرم قدرت در منطقه، غیرقابل قبول به نظر می‌رسد (مروتی و امانی‌خجسته، ۱۳۹۸: ۸۷-۸۶). وجود شمار قابل توجهی از شیعیان در

یمن و تأثیرپذیری فرهنگی سیاسی آن‌ها از ایران که به ویژه در جنبش انصارالله کاملاً نمایان است؛ یکی از دغدغه‌های عربستان سعودی است. بر این اساس، جلوگیری از قدرت‌یابی شیعیان از مهم‌ترین اولویت‌های استراتژیک عربستان در بحران اخیر یمن بوده است. در همین راستا، فرید زکریا می‌گوید: «آنچه سعودی‌ها را به حملات علیه یمن کشاند این است که آن‌ها دولتی شیعی در یمن نمی‌خواهند». به تعبیر دیگر، عربستان سعودی دولت شیعی در یمن را مشکلی بزرگ برای رژیم خود می‌بیند (Nejat And Others, 2016: 160).

ادراک عربستان از موقعیت جغرافیایی یمن نوعی تهدید قریب است؛ چرا که احساس می‌کند از ناحیه جنوب محاصره شده و به تعبیری دچار حصر جغرافیایی است. یمن پاشنه آشیل عربستان در منطقه غرب آسیا به شمار می‌رود؛ تا جایی که عبدالعزيز بن عبدالرحمان آل سعود بنیان‌گذار عربستان سعودی هشدار داده بود که خیر و شر ما از جانب یمن بر می‌خیزد. لذا تا جایی که می‌توان باید یمن را ضعیف نگه داشت؛ زیرا یمن قوی قادر است تهدیدی جدی برای امنیت و ثبات داخلی عربستان به شمار آید (فتحی و جهان‌بین، ۱۳۹۸: ۲۰۷). وجود متغیرهایی همچون شیعیان زیدی، استان‌های مرزی، ناامنی مرزی و تهدید آن، حضور القاعده شاخه یمن، مدل جمهوری و پتانسیل جمعیتی یمن نسبت به جمعیت عربستان، باعث شده تا در طول دهه‌های گذشته تاکنون، نگاه عربستان به یمن همواره یک نگاه تردیدآمیز باشد و آن را بالقوه عامل تهدید بداند (Al-Karimi, 2015: 1). ایدئولوژی وهابی پادشاه سعودی، عربستان را در تقابل شدید با شیعیان قرار داده است. اعتقاد حکومت عربستان بر این است که شیعیان یمنی پیوند نزدیکی با حکومت ایران و همچنین شیعیان سعودی دارند؛ به گونه‌ای که هر نوع موفقیت شیعیان یمن به سرعت شیعیان سعودی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در ضمن سبب افزایش نفوذ و اعتبار جمهوری اسلامی ایران خواهد شد. از نظر مقامات سعودی، پیروزی انصارالله در موقعیت جغرافیایی راهبردی یمن می‌تواند به زنجیره پیروزی‌های گفتمان انقلاب اسلامی و مقاومت در منطقه، حلقه‌ای دیگر را بیفزاید و سبب شود تا دولت مستقل دیگری با گفتمان غالب استقلال و مقاومت در این منطقه پر اهمیت شکل بگیرد. غرب این تهدید را برای خود نیز بسیار جدی می‌داند (شاهقلیان قهفرخی و جمالی، ۱۳۹۶: ۱۷۹)؛ چرا که این امر موازنه قدرت را به سود ایران تغییر و حوزه نفوذ آن را گسترش می‌دهد و بر وزن سیاسی و قدرت چانه‌زنی ایران

در رویارویی با رقبای منطقه‌ای و بین‌المللی خواهد افزود. از این‌رو، مقامات عربستان اقدام حوثی‌ها در راستای کسب قدرت بیشتر در یمن را تکمیل‌کننده حلقه محاصره کامل سرزمین خود می‌دانند.

به لحاظ ژئوپلیتیکی، عربستان برای دسترسی به آب‌های آزاد بین‌المللی، مستلزم عبور از تنگه هرمز یا باب‌المندب است و در صورت بروز هرگونه تحولی در این دو تنگه، صادرات نفت عربستان تحت تأثیر قرار می‌گیرد و حتی در پی آن، ممکن است اقتصاد و جایگاه رهبران سعودی، هم در بُعد داخلی و هم در بُعد خارجی تهدید شود. محیط ژئوپلیتیکی یمن برای صادرات نفت عربستان و تحکیم قدرت آل‌سعود، حیاتی است ((Baabood, 2023). مقامات عربستان سعودی تداوم بحران یمن را تهدیدی جدی علیه امنیت و منافع ملی خود تلقی کرده و به دنبال آن هستند که از افزایش قدرت رقبا به ضرر خود جلوگیری نموده و با به حداکثر رساندن قدرت خود، نقش و امنیت خود را بالا برده و با جهت‌دهی مناسب به این تحولات به نفع خود به جایگاه هژمونیک در منطقه خاورمیانه دست یابند. سعودی‌ها با این واقعیت روبرو هستند که روند تحولات ناشی از افزایش توان مقابله‌ای انصارالله یمن و محور مقاومت در برابر عربستان، توازن منطقه‌ای را به سود محور مقاومت به پیش برده است.

عربستان سعودی به دو دلیل مهم، قدرت افزایی حوثی‌ها در یمن را در تضاد با منافع و امنیت خود می‌داند. نخست این‌که، عربستان نگاه هویتی و فرقه‌ای به قدرت در جهان عرب دارد. عربستان که داعیه رهبری اهل سنت را دارد؛ کنترل قدرت در کشورهای عربی توسط گروه‌های شیعی را همسو با منافع خود نمی‌داند. آل‌سعود به تحولات یمن نیز نگاه هویتی دارد و به قدرت رسیدن شیعیان حوثی را نمی‌پذیرد. همسایگی عربستان سعودی با یمن نیز در تقویت این نگرش آل‌سعود به تحولات کنونی یمن، نقش زیادی ایفاء می‌کند. اما دلیل دوم این احتمال، آن است که یمن که حیات خلوت عربستان محسوب می‌شود؛ با تقویت قدرت حوثی‌ها که به لحاظ هویت مذهبی به جمهوری اسلامی ایران نزدیک هستند، از نفوذ عربستان خارج شده و نفوذ ایران در یمن تقویت می‌شود (Keshishyan Siraki And Sohaili Najafabadi, 2019: 209) که این امر به معنای بازی بُرد-باخت به نفع ایران است و در عوض، از نفوذ

عربستان در یمن خواهد کاست. لذا مقامات ریاض تمام تلاش خود را برای کاستن از قدرت و نفوذ تهران در صحنه سیاست یمن به کار گرفته‌اند.

در ذهنیت تصمیم‌گیران آل‌سعود، نفوذ و توان اثرگذاری ایران در منطقه و مسائل مهم آن پس از اشغال عراق بسیار افزایش یافته است. صعود شیعیان به رأس هرم قدرت در عراق و به حاشیه رفتن اهل سنت، بقا و تداوم ایستادگی متحدان ایران در لبنان، فلسطین و سوریه، بحرین، همگی به گسترش نفوذ و توان بالقوه ایران در منطقه و مطرح شدن اصطلاح هلال شیعی انجامیده است که در چنین شرایطی، قدرت‌گیری حوثی‌ها در یمن باعث خواهد شد تا عربستان مجدداً خود را در محاصره شیعیان دیده و به درک جدیدی از شرایط حاکم بر محیط پیرامونی خود دست یابد. افزایش قدرت منطقه‌ای ایران به معنای پایان نقش برادر بزرگ‌تر عربستان برای منطقه و همچنین چالش ژئوپلیتیک انرژی برای کشورهای غربی است. لذا این مسأله بر الگوی رفتاری ریاض برای پاسخ به شرایط جدید اثرگذار خواهد بود؛ از منظر مقامات آل‌سعود، تحرکات یمن این پتانسیل را دارد که بخش دیگری از پازل هلال شیعی را تکمیل کند (زنگنه و حمیدی، ۱۳۹۵: ۱۶۰-۱۵۹). حسنی مبارک، رئیس جمهور مخلوع مصر، در سال ۲۰۰۵ در مصاحبه‌ای با تلویزیون العربیه ضمن تکرار واژه هلال شیعی گفت: «شیعیانی که در کشورهای منطقه زندگی می‌کنند؛ بیش از این که به کشور خود وفادار باشند، به ایران وفادار هستند» (همتی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۱۷).

حمایت ایران از حوثی‌ها به عنوان اهرم مقابله با اقدامات آمریکا و عربستان در منطقه برآورد شده و معادلات منطقه‌ای را به سوی سیاست‌های منطقه‌ای ایران و هم‌پیمانش در غرب آسیا شکل می‌دهد. بنابراین سعودی‌ها برای مرزهای خود دغدغه امنیتی داشته و ایران را آماده گسترش حوزه نفوذ در هلال شیعی با اثرگذاری بر شیعیان حوثی به شمار می‌آورند که می‌خواهند با روی کار آمدن دولتی متمایل به خود در یمن، پایگاهی ایجاد کنند تا در عربستان و دیگر کشورهای منطقه رسوخ کند (جوادی‌ارجمند و بردبار مزدهی، ۱۴۰۲: ۱۱۶). بنابراین، عربستان سعودی طی سال‌های گذشته در چارچوب رقابت بر سر هژمون منطقه‌ای از گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در عراق، سوریه، لبنان، بحرین و یمن به شدت نگران بوده و در تلاش بوده تا این نفوذ را مهار کند.

یمن می‌تواند اهمیتی درخور برای حفظ نفوذ ایران در منطقه داشته باشد. گسترش نفوذ انصارالله در یمن و تسلط بر باب‌المندب به عنوان مسیری مهم در انتقال انرژی جهان و معبر حیاتی کشتی رانی در کانال سوئز و نیز تسلط بر بندر الحدیده می‌تواند سبب تقویت حاکمیت متحدان منطقه ای ایران و کنترل آمد و رفت دریایی از کانال سوئز و خلیج فارس شود که این امر نگرانی عربستان و متحدان منطقه‌ای و بین‌المللی آن از نفوذ ایران را در پی داشته است. بنابراین، یمنی آرام و هم راستا با هدف‌های ایران می‌تواند نقش گسترده‌ای در تأمین امنیت کشتی‌های نفتی ایران داشته باشد (جوادی‌ارجمند و بردبار مژده‌ی، ۱۴۰۲: ۱۱۰).

قدرت گرفتن انصارالله در یمن و شکل‌گیری یک حکومت اسلامی و مردمی در این کشور، در جهت منافع شیعیان و ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی آن‌ها ارزیابی می‌شود و می‌توان با بهره‌برداری درست از این وضعیت، به تقویت روزافزون جایگاه ایران در حوزه شمال آفریقا و غرب آسیا دست یافت و این همان چیزی است که آل‌سعود و سایر دول عربی منطقه که دارای رژیم‌های استبدادی و ساختاری عقب مانده به لحاظ اجتماعی و سیاسی هستند؛ به شدت از آن واهمه دارند. از این نظر، هر گونه فشار بیشتر عربستانی‌ها بر شیعیان یمنی، سبب نزدیکی بیش از پیش آن‌ها به ایران می‌شود. به طور کلی، پیشروی معترضین شیعی یمن (انصارالله) بار دیگر پیروزی «گفتمان مقاومت» را در منطقه اثبات می‌کند (کریمی و دیگران، ۱۴۰۱: ۷۴). بر همین اساس، یمن می‌تواند به عنوان ضلع دیگری از متحدان ایران در خاورمیانه قلمداد شود؛ ضلعی که در کنار اضلاع دیگر، می‌تواند به ایران در راستای ایجاد موازنه تهدید در مقابل دشمنان و رقیب‌هایی نظیر عربستان سعودی کمک کند که این امر به معنی توسعه عمق استراتژیک ایران در منطقه و محاصره عربستان توسط شیعیان محسوب می‌شود. در واقع، قدرت‌یابی انصارالله در یمن و شکل‌گیری یک حکومت اسلامی و مردمی در یمن، همسو با منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران ارزیابی می‌شود و می‌توان با بهره‌برداری صحیح از شرایط، به تقویت فزاینده جایگاه ایران در حوزه غرب آسیا و شمال آفریقا دست یافت و این مسأله همان چیزی است که عربستان و دیگر کشورهای عرب منطقه که دارای رژیم‌های استبدادی و ساختاری عقب مانده به لحاظ سیاسی و اجتماعی هستند؛ به شدت از آن واهمه دارند (محمدی عزیزآبادی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۸۲-۱۸۱).

به زعم عربستان قدرت‌یابی انصارالله در یمن و شکل‌گیری یک حکومت همسو با منافع منطقه‌ای ایران، موازنه قدرت را به سود تهران در منطقه تغییر و حوزه نفوذ آن را در منطقه خاورمیانه گسترش خواهد داد. عربستان سعودی، اسرائیل و آمریکا بر این باورند در صورت حاکمیت کامل انصارالله بر یمن و همچنین امکان تسلط بر شاهراه راهبردی تنگه باب‌المندب به عنوان حلقه اتصال تجارت شرق و غرب وزن سیاسی و قدرت چانه‌زنی ایران در رویارویی با رقبای فوق‌الذکر بسیار بالا خواهد رفت. بر همین اساس در صورت موفقیت انصارالله در تشکیل حکومتی مقتدر، یمن می‌تواند پس از، ایران، سوریه، لبنان و فلسطین به عنوان پنجمین عضو محور مقاومت در راستای تضعیف بیش از پیش منافع راهبردی متحدان آمریکا و به ویژه رژیم صهیونیستی و مهم‌تر از همه عربستان گام بردارد (باقری زاده، ۱۴۰۳: ۲۱).

نقشه شماره ۲: مناطق تحت اشغال گروه‌های داخلی یمن



(مشرق‌نیوز، ۱۳۹۶: ۳)

موفقیت حوثی‌ها در تسلط بر کل یمن، می‌توانست منبع الهام بخشی برای دیگر جریان‌ات تحول خواه در سطح منطقه باشد. این وضعیت، نه تنها عربستان و متحدان محافظه‌کار آن را در معرض تهدید قرار می‌داد؛ بلکه جایگاه و موقعیت ایران را در کلیت منطقه تقویت می‌کرد. به طور کلی عربستان، یمن را به عنوان حیات خلوت خود دانسته و لذا پیروزی انصارالله را بر نمی‌تابد

و برای حفظ و تثبیت حوزه نفوذ خود در یمن به شیوه‌های مختلفی تلاش می‌کنند. پس به باور بسیاری از تحلیلگران تحولات و جنگ داخلی یمن یک نوع میدان برای جنگ نیابتی میان عربستان وهابی و ایران شیعی است که تقابل دو تفکر سیاسی و دو برداشت از اسلام را نشان می‌دهد و هر کدام سعی در توسعه نفوذ و همچنین عقب راندن طرف مقابل دارند (دشتی و دیگران، ۱۴۰۱: ۸۱). در واقع، پیروزی و تسلط انصارالله بر یمن به توسعه توان دیپلماسی و دایره نفوذ منطقه‌ای ایران خواهد انجامید و نظم و امنیت منطقه‌ای را به سود ایران و متحدان آن در غرب آسیا رقم خواهد زد. از همین‌رو، مقامات عربستان، اقدامات حوثی‌ها در راستای کسب قدرت بیشتر در یمن را تکمیل کننده حلقه محاصره کامل سرزمین خود می‌دانند که این امر باعث شده تا مقامات ریاض در صدد جلوگیری از قدرت گرفتن گروه‌های شیعی در یمن برآیند. از آنجایی که برخی معتقدند که انقلاب اسلامی بیشترین تأثیر در جهان اسلام را در بین شیعیان عربستان گذاشته است؛ لذا با تحولات یمن و قدرت‌یابی شیعیان، عربستان نگران اعتراضات و خیزش مناطق (استان شرقی) دارای اقلیت شیعی خود که محل بسیاری از ذخایر نفت می‌باشد؛ است. همچنین نسبت به سرنوشت خیزش‌های عربی و اوضاع جهان عرب نگاه ویژه‌ای دارد و آشکارا با گسترش مردم‌سالاری و فروپاشی نظام‌های سنتی عربی مخالفت می‌ورزد (اشرف‌نظری و قنبری، ۱۳۹۳: ۱۷۹). آنچه در این سطح بیش از همه برای سعودی‌ها اهمیت راهبردی دارد، حفظ هیمنه خود و اجازه ندادن به دیگر قدرت‌های ذی‌نفوذ برای حضور در این منطقه است. عربستان به شدت از سیطره گروه انصارالله بر کشور یمن وحشت دارد؛ چرا که به خوبی می‌داند که این گروه تحت حمایت ایران است. از سوی دیگر، شعار اصلی این گروه یعنی «الله اکبر، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل و لعنت بر یهود» دقیقاً برگرفته از پیامی است که خواست نظام حاکم بر ایران است. از این‌رو، عربستان که از ابتدای پیروزی انقلاب ایران همواره نگران گسترش تفکر شیعی جمهوری اسلامی در منطقه بوده؛ هیچ گاه نمی‌تواند ببیند کنترل همسایه جنوبی خود به دست گروهی شیعی با تفکرات نزدیک به جمهوری اسلامی افتاده است (Shaheen, 2015: 2). از این‌رو، عربستان تاکنون توانسته تحولات یمن را کنترل کند تا از تحولات ناگهانی و سریع جلوگیری کند. هدف اصلی عربستان سعودی در یمن حفظ تعادل در خاورمیانه و ایجاد ثبات در مرزهای یمن و عربستان است. برای رسیدن به این هدف، عربستان

مجبور شد با استعفای صالح به عنوان نزدیک‌ترین متحد منطقه‌ای خود موافقت کند (Haykal, 2011: 1-2).

زیربنای روابط حوثی‌ها و ایران و محور مقاومت را منافع مشترک شکل می‌دهد. رهبران حوثی از انقلاب اسلامی ایران به عنوان الگویی برای رفتار و اقدامات خود پیروی می‌کنند و ایده‌های تجدیدنظرطلبانه و تلاش‌های ایران برای تغییر نظم منطقه‌ای در آن‌ها طنین‌انداز می‌شود. بنابراین، آن‌ها با سایر اعضای محور مقاومت از جمله؛ حزب‌الله و شبه‌نظامیان شیعه عراق و ... که به دنبال تغییر وضعیت موجود از طریق زور هستند؛ زمینه مشترکی پیدا کرده‌اند. برای ایران، حوثی‌ها پیش از هر چیز فرصتی برای تهدید مرزهای جنوبی عربستان سعودی محسوب می‌شوند و در این راستا، ایران تلاش‌هایی را برای تقویت حوثی‌ها به عنوان بخشی از شبکه منطقه‌ای خود انجام داده است. حوثی‌ها اکنون به ایران و محور مقاومت برای پیشبرد و توسعه مداوم قدرت و توانایی‌های فزاینده خود در صحنه یمن متکی هستند و در این راستا، در جهت دستیابی به منابع قدرت و تسلط بر صناعا گام بر می‌دارند (Zimmerman, 2022: 5). حوثی‌ها اکنون امنیت عربستان سعودی و امارات را تهدید می‌کنند. حملات حوثی‌ها علیه عربستان سعودی در سال ۲۰۲۱ افزایش یافت و این جنبش از موشک‌های بالستیک و پهپادها برای هدف قرار دادن زیرساخت‌های نفتی عربستان، فرودگاه‌های غیرنظامی و تأسیسات نظامی استفاده کرد. توانایی آن‌ها برای حفظ چنین کمپینی، عرضه ثابت سلاح را نشان می‌دهد (Jones, 2021: 11). از ژانویه ۲۰۲۲، حوثی‌ها کمپین حملات را با هدف قرار دادن مکان‌هایی در ابوظبی، پایتخت امارات متحده عربی، آغاز کردند که در آن سه غیرنظامی کشته شدند و نیروهای آمریکایی مستقر در پایگاه نظامی الظفره نیز تهدید شدند. عربستان سعودی و امارات از سامانه‌های دفاع موشکی پاتریوت برای دفاع در برابر حملات حوثی‌ها استفاده کرده‌اند و ارتش امارات از آن زمان تاکنون دو بار سامانه ضد موشکی تاد خود را نیز فعال کرده است. هر دو سیستم در مقایسه با هزینه‌های نسبتاً پایین موشک‌های بالستیک و پهپاد حوثی‌ها گران هستند که سود بالایی را نصیب حوثی‌ها می‌سازند. دولت‌های متوالی ایالات متحده هرگز نتوانسته‌اند جریان حمایت ایران از حوثی‌ها و نفوذ فزاینده ایران بر آن‌ها را متوقف کنند. نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در طول کمپین «فشار حداکثری» دولت ترامپ علیه ایران، تسلیحات و قابلیت‌های پیشرفته‌تری را به حوثی‌ها منتقل کرد. تهدید تحریم‌های آمریکا

برای جلوگیری از تعمیق روابط حوثی‌ها با شبکه ایران کافی نبود. تأکید بر دیپلماسی ایالات متحده که در سال اول دولت بایدن رخ داد؛ همراه با تغییر رویکرد ایالات متحده در قبال خاورمیانه نیز مشکل‌ساز بوده است. مقامات ایالات متحده و سازمان ملل از آن زمان به دنبال کمک ایران به حوثی‌ها برای مذاکره با عربستان جهت پایان دادن به جنگ هستند؛ اگرچه ایران یک کشور جنگ‌طلب نیست. امروزه منافع حوثی‌ها با منافع محور مقاومت در منطقه در هم تنیده است و حوثی‌ها برای قدرت‌نمایی به سلاح‌های ایران وابسته هستند و سیاست جدایی از ایران را بعید می‌دانند (Zimmerman, 2022: 8-7). اگرچه بایدن، حمایت ایالات متحده از عربستان سعودی در برابر موشک‌های حوثی‌ها را تکرار کرد؛ اما از پایان حمایت آمریکا از عملیات تهاجمی به رهبری عربستان سعودی در یمن که آن را «فاجعه انسانی و استراتژیک» خواند؛ خبر داد (Hamdan Al-Alkim, 2021: 386).

با پیروزی بایدن در انتخابات نوامبر ۲۰۲۰ آمریکا، روش بود که بر خلاف ترامپ، عربستان اولویت بایدن نخواهد بود. در این بین، جنگ یمن به منبع اختلافی مهم برای روابط واشنگتن و ریاض تبدیل شد. به این خاطر با آغاز دولت جدید در آمریکا، تغییر سیاست آمریکا در مقابل عربستان آغاز شد. بایدن در اولین سخنرانی خود در وزارت امور خارجه این کشور، بیان داشت که جنگ یمن باید پایان یابد و آمریکا به کلیه حمایت‌های ریاض برای حملات تهاجمی به یمن و همچنین صادرات تسلیحاتی در این زمینه پایان خواهد داد که چنین نیز شد. همچنین دولت بایدن اقدام به حذف حوثی‌ها به عنوان یک گروه تروریستی کرد؛ اقدامی که در دوران ترامپ انجام شده بود (محمدی‌نیگجه و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۸۴-۱۸۳). سیاست دولت بایدن در پایان دادن به حمایت از عربستان سعودی در جنگ یمن، ریاض را در موقعیت بدی قرار داد. لذا هر چند سیاست آمریکا سبب واگرایی در روابط ریاض-واشنگتن شد؛ اما مقامات عربستان را نیز ترغیب کرد که به پایان جنگ از طریق کشوری مانند ایران بیاورند. از این رو، فضای جدید منطقه‌ای که مؤلفه مهم آن توافق ایران و عربستان است؛ توانست تحولات عرصه بین‌الملل را نیز دستخوش دگرگونی کند و چشم‌انداز روشنی را برای پایان جنگ علیه یمن ترسیم کند. توافقنامه صلح ۱۰ مارس ۲۰۲۳ ایران و عربستان در چین می‌تواند به همگرایی منطقه‌ای بینجامد که عوامل عملیاتی شدن سیاست واگرایی از آمریکا و دوری از هژمونی آن را رقم زده و

برنامه‌های اسرائیل را دچار آسیب کند. ایران می‌تواند با تثبیت حکومت در یمن، در برابر عربستان به برتری راهبردی دست یابد. چون نفوذ در سواحل یمن تا خروجی دریای سرخ و تسلط بر خلیج عدن برای ایران حکم کنترل مسیرهای نفتی مهم را دارد. ایران می‌خواهد با کنترل مسیرهای انتقالی نفت، با استفاده از تنگه هرمز و به وسیله روابط با حوثی‌ها در شمال یمن نفوذ کند و بر مسیرهای انرژی تسلط یابد و از آن‌ها حفاظت کند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یمن که در جنوب شبه جزیره عربستان واقع شده، از جهات تاریخی، فرهنگی، ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و ژئواستراتژیکی از موقعیت ویژه و راهبردی برخوردار است. این کشور از جمله کشورهایی است که پیروزی انقلاب اسلامی ایران، جرقه امید و بیداری اسلامی را در میان شیعیان زیدی و جنبش الحوثی این کشور زد. پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران، شیعیان در یمن، از انزوای ژئوپلیتیکی که قبل از انقلاب ایران با آن مواجه بودند؛ خارج شدند. آن‌ها به هویت و حقوق خود آگاهی نسبتاً کاملی پیدا کردند و توانستند با تشکیل جنبش‌ها و احزاب مختلف خواسته‌های مشروع و به حق خود را از دولت مطالبه کند و از این رهگذر سهمی در تصمیم‌گیری‌های حکومت داشته باشند. تأثیرپذیری شیعیان یمن از انقلاب اسلامی ایران موجب توسعه قلمروی ژئوپلیتیکی شیعه در یمن شده است. آن‌ها نقش عمده‌ای در قیام مردم یمن برای سرنگونی علی عبدالله صالح و ایجاد حکومت دموکراتیک ایفاء کرده‌اند. گسترش قلمروی ژئوپلیتیکی شیعیان یمن از چنان عمقی برخوردار شده که نادیده گرفتن آن‌ها در حکومت آینده یمن امکان‌پذیر نیست. بعلاوه بعد از بهار عربی و کنار گذاشته شدن جریان طرفدار غرب، حضور شیعیان در صحنه سیاسی یمن بسیار پررنگ‌تر دیده شد؛ به طوری که نظریه‌پردازان در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی و سیاسی معتقدند که با ارتقای جایگاه شیعیان در ساختار داخلی یمن، شیعیان از نظر ژئوپلیتیکی در جایگاه بالاتری در منطقه غرب آسیا قرار گرفته‌اند. کسب این جایگاه به عنوان تهدیدی برای کشورهای منطقه و غرب تلقی شد. چرا که از یک سو، به نفوذ انقلاب اسلامی ایران و گسترش ژئوپلیتیک تشیع منجر شد و از سوی دیگر، موقعیت کشور یمن به سبب مجاورت با تنگه باب‌المندب، به عنوان یکی از

مهم‌ترین نقاط استراتژیکی جهان، که در تسلط شیعیان طرفدار ایران قرار گرفته است؛ به معنای تغییر توازن قدرت در منطقه به نفع شیعیان و محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی است. بدین خاطر است که سیاست‌های تجاوزگرانه عربستان و امارات با پشتیبانی غرب طراحی شد تا به شکست نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی ایران و کاهش نقش عوامل مذهبی و ایدئولوژیکی شیعه منجر شود. در واقع، هویت‌خواهی شیعیان یمن و به ویژه جنبش الحوثی ریشه در ساختار معنایی و نقش محتوایی انقلاب اسلامی ایران دارد که در عواملی چون احیای اسلامی، عدالت‌طلبی، مبارزه با استبداد و استعمار، بازتولید فرهنگ مقاومت و مقابله با نفوذ بیگانگان خود را نشان داد. تحت تأثیر آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران است که شیعیان یمن هویت خود را بازیافتند و تا امروز توانسته‌اند در مقابل مداخله نظامی به رهبری عربستان سعودی و حمایت کشورهای غربی مقاومت کنند که این امر باعث گسترش نفوذ معنوی ایران در میان شیعیان زیدی و به ویژه جنبش الحوثی‌ها شده است و نگرانی‌های عربستان سعودی و متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن را برانگیخته است. نکته اساسی این که بهبود روابط ایران و عربستان موجب بهبود روابط با کشورهای منطقه خلیج فارس، جهان عرب و جهان اسلام و حتی تضعیف پیمان ابراهیم و جایگاه رژیم صهیونیستی در منطقه خواهد شد. اگرچه نباید روی بهبود پایدار در روابط تهران و ریاض حساب باز کرد و باید احتمال پیش آمدن هر نتیجه‌ای را داد. در واقع، با توجه به اختلافات عمیق بین ایران و عربستان سعودی، نباید انتظار پیشرفت زیاد و سریع در زمان کوتاه را داشت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

Articles

- Abdollahi, Mohammad Ismail and Reyhaneh Qanaati (2024), "Indicators of Futures Studies of Religious Governance from the Perspective of the Thoughts of the Imams of the Revolution", Quarterly Journal of the Islamic Revolution Futures Studies, Volume 5, Issue 2, pp. 11-38
- Abolhasan Shirazi, Habibullah and Seyyed Reza Tabaizavareh (2013), "An Autopsy of the Pink Revolution in Yemen and Saudi Arabia's Role in Suppressing It", Journal of International Relations, Volume 6, Number 21, pp. 37-76. [In Persian]
- Adami, Ali And Najmieh Pouresmaeili(2013), "Saudi Arabia and Iran: the Islamic A wakening Case", journal Of Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 3, No. 4, pp. 153-178
- Ashraf Nazari, Ali and Luqman Ghanbari (2015), "Cultural Gaps and Ideological Conflicts in Middle Eastern Arab Countries with an Emphasis on Political Developments 2010-2014", Islamic World Political Research Quarterly, Year 4, Number 4, pp. 163-184. [In Persian]
- Bagherinia, Hadith and Mohammad Bagher Makramipour and Mohammad Sajjad Shiroodi and Zohreh Mohammadi (2023), "Investigating the Recognition of National Capabilities and Commonalities of Iran with the Countries of the Islamic World for the Benefit of the Resistance Front (Case Study; Iraq, Yemen, Palestine)", West Asia Quarterly, Year 1, Issue 3, pp. 53-66
- Bagherizadeh, Ali (2024), "New Developments and the Defense-Security System of the Islamic Republic of Iran in Confrontation with Saudi Arabia and the Zionist Regime (With Emphasis on the Role of Yemen)", Iranian Journal of International Relations, Year 2, Issue 4, pp. 1-46
- Bozormehri, Majid, Samia Aghajani, and Maryam Afshar (20۲۰), "Alignment of the Organization of Islamic Cooperation with Saudi Arabia to confront Iran in the Yemen crisis (2015-2019)", Political Science Journal, 15th year, first issue, pp. 33-74. [In Persian]
- Cerioli, Luiza Gimenez (2018), "Roles and International Behaviour: Saudi-Iranian Rivalry in Bahrain's and Yemen's Arab Spring", journal Of Contexto Internacional, 40(2), pp. 317-295
- Clausen, Maria-Louise (2015), "Understanding the crisis in Yemen: Evaluating competing narratives", Journal of The International Spectator, 50 (3), pp. 16-29
- Dashti, Farzaneh and Seyyed Samer Pourdaneh and Bahram Vakili Zadeh (2022), "Comparative Analysis of the Ideological Role of Saudi Arabia and Iran in the Developments in Yemen", Quarterly Journal of International Studies, 19th Year, Issue 74, pp. 77-95
- Dehghani Firouzabadi And Amiri (2019), "Three-dimensional contextualization of the position of soft power in Russia's foreign policy (2000-2019)", World Politics Quarterly, 7th volume, number 26, pp. 99-132. [In Persian]
- Dorj, Hamid And Reza Eltyaminia (2020), "Structural analysis of the foreign policy of the Islamic Republic of Iran regarding the political developments in Yemen", Islamic Revolution Research Quarterly, 9th year, number 32, pp. 268-287. [In Persian]
- Emami Rad, Qasem and Kayhan Barzegar and Mehdi Zakarian (2022), "Study and Explanation of Saudi Arabia's Goals and Strategies in the Yemen Crisis Based on Charles

- Hermann's Crisis Cube Model", Quarterly Journal of Strategic Studies, 25th Year, Issue 97, pp. 283-315
- Fathi, Mohammad Javad And Farzad Jahanbin (2019), "Explaining Yemen's Geopolitical Crisis: Factors and Actors", World Politics Quarterly, Volume 8, Number 27, pp. 193-228. [In Persian]
- Javadi Arjomand, Mohammad Jafar And Maryam Bordbar Mozhdehi (2024), "Orientations and Activities of Russia, Iran and Saudi Arabia in the Yemen War", Central Eurasian Studies, Volume 16, Issue 2, pp. 101-123
- Gholami, Meitham and Seyed Mostafa Abtahi, Abulqasem Taheri and Ali Asghar Kazemizand (2018), "Explaining the confrontation between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia in Yemen from the perspective of identity-oriented security", Islamic Revolution Research Quarterly, Year 8, Number 28, pp. 97-117. [In Persian]
- Hakemi, M. & Hami Kargar, F. & Tajik, H. (2022). Future Studies from the Perspective of Philosophy: An Essay on the Forward-Looking Views of Sadr al-Mutallahin Shirazi. Islamic Revolution Future Studies Quarterly, Volume 3, Issue 1, pp. 95-119. [In Persian]
- Hamdan Al-Alkim, Hassan(2021), "U.S. President Joe Biden's Foreign Policy towards the Gulf", Open Journal of Political Science, 11(4), pp. 378-401
- Hashempour, Pirouz And Ali Mohammad Haghighi (2020), "The relationship between Iran's Islamic Revolution and the axis of resistance in identity", Islamic World Political Research Quarterly, 10th year, 4th issue, pp. 211-242. [In Persian]
- Hemmati, Morteza And Shahrouz Ebrahimi And Mahnaz Gudarzi (2020), "Saudi Arabia's balancing policy against Iran in Yemen", Space Planning Quarterly, Year 10, No. 36, pp. 107-124. [In Persian]
- Jadidi, Ali And Sonaz Nasiri And Seyed Sahib Barzin (۲۰۲۲), "Resources of soft power of the Islamic Republic of Iran in Iraq (2010-2020)", Journal Of Soft Power Studies, Year 11, No. 27, pp. 29-54. [In Persian]
- Kadri, Jude (2020), "The Geopolitics Of The Yemen War During The Corona Pandemic: An Althusserian Approach", Contemporary Arab Affairs, 13 (4), pp. 24-44
- Karimi, Haniyeh and Mohammad Vali Modares and Gholamreza Karimi (2022), "Identity and Ideological Conflict between Saudi Arabia and Iran in the Study of Yemen", Political Strategy Quarterly, Year 6, Number 20, pp. 63-79. [In Persian]
- Keshishyan Siraki, Garineh And Sohail Sohaili Najafabadi (2019), "Evaluation of the Yemen crisis: developments, roots, actors and existing solutions to end the crisis", Political Science Quarterly, 14th year, 46th issue, pp. 187-214. [In Persian]
- Khajesaravi, Gholamreza And Hamed Shahraki (2012), "Iran's Islamic Revolution and Islamic Awakening in Yemen with Emphasis on the Houthi Movement", Islamic Revolution Research Quarterly, Year 1, Issue 1, pp. 185-220. [In Persian]
- Khezri, Ehsan And Seyed Hamzeh Safavi and Amin Parhizkar (2015), "Roots of Iran-Saudi Conflicts (A Case Study of Three Countries of Iraq, Bahrain and Yemen)", Quarterly Journal of International Political Research, Volume 7, Number 23, pp. 179-207. [In Persian]
- Maghoumi et al. (2023), "Geopolitical Interests of Actors Regionality in the Yemen Crisis", Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, 5 Year, Issue 16, pp. 163-193
- Maruti, Leila And Jafar Amani-Khojasteh (2020), "Identity and foreign policy of Iran and Saudi Arabia in Yemen from the perspective of constructivism", Islamic Revolution Strategic Research Quarterly, second year, number 8, pp. 69-93. [In Persian]

- Mohammad Nia, Mahdi And Abdolmajid Seifi(2015), "The Ideational Nature of Iranian - Saudi Interactions", Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 5, No. 4, pp. 91-117
- Mohammadi Nigjeh, Alireza, Hossein Dehshyar, and Nozar Shafi'i (2024), "Explanation of the change and continuity of Saudi Arabia's foreign policy approach towards Yemen; the role and impact of the Islamic Republic of Iran", Quarterly Journal of International Relations Research, Volume 16, No. 64, pp. 168-187
- Mollaqdimi, Alireza and Mehdi Zakarian and Hamid Ahmadi (2023), "The Role of Geopolitical Competition in the Aggressiveness of Saudi Arabia's Foreign Policy Towards Iran", Quarterly Journal of International Studies, 21st Year, Issue 82, pp. 181-199
- Nasr Esfahani, Mohsen (2022), "The influence of the conceptual role and semantic content of the Islamic Revolution on the identity of the Shiites of Yemen with an emphasis on the Houthi movement", Islamic Awakening Studies Quarterly, Year 11, Number 23, pp. 55-75. [In Persian]
- Nejat, Seyyed Ali And Sayeda Razia Mousavi And Mohammad Reza Sarimi (2016), "The strategy of Saudi Arabia and the Islamic Republic of Iran regarding the crisis in Yemen", International Relations Studies Quarterly, Vol. 9, No. 33, pp. 137-179
- Omidi, Ali and Ehsan Falahi and Tayyaba Bahdari Naani (2019), "Comparative study of the soft power of Russia and the United States in the South Caucasus", World Politics Quarterly, Volume 8, Number 27, pp. 229-259. [In Persian]
- Pirani, Shahreh (۲۰۲۲), "The political strategy of Iran and Saudi Arabia in the second wave of Islamic awakening in the countries of Bahrain, Syria and Yemen", Strategy Quarterly, year 30, number 101, pp. 793-827. [In Persian]
- Samii Esfahani, Alireza and Mehdi Mohammadi Azizabadi and Jaseb Nikfar (2015), "Identity geopolitics and its effect on the security strategy of Iran and Saudi Arabia in the developments in Yemen", Islamic World Political Research Quarterly, fifth year, number 15, pp. 1-27. [In Persian]
- Selvik, Kjetil (2015), "War in Yemen: the view from Iran", The Norwegian Peace building Resource Centre, 1 (2), pp. 1- 3
- Seth G. Jones And Jared Thompson And Danielle Ngo And Brian McSorley And Joseph S. Bermudez Jr. (2021), "The Iranian and Houthi War against Saudi Arabia", Center for Strategic and International Studies, pp. 1-16
- Tabatabaifard, Seyyed Mohammad (2016), Houthis of Yemen; Background and Theological and Political Approaches, Publications: Non-Governmental, Non-Profit University of Religions and Religions, First Edition, pp. 1-316. [In Persian]
- Talashan, Hassan (2012), "Islamic revolution of Iran and its effect on geopolitical developments of Shia in Yemen", Quarterly of Shia Studies, 10th year, number 40, pp. 7-30. [In Persian]
- Vaziri Seta, Hassan and Alireza Rezaei and Qasem Torabi (2023), "Iran and Saudi Arabia's Foreign Policy in Yemen and the Impact of Rebuilding Relations between the Two Countries on Yemeni Peace", Quarterly Journal of the Islamic Revolution Approach, Year 17, Issue 62, pp. 169-188
- Zanganeh, Peyman and Simeh Hamidi (2016), "Representing the nature of the logic governing the activism of Iran and Saudi Arabia in the Yemen crisis", Strategic Policy Research Quarterly, 5th year, number 18, pp. 143-169. [In Persian]

Books

- Baabood, Abdullah (2023), "Seas, Checks, and Guns: Emirati and Saudi Maritime Interests in the Yemen Conflict", Retrieved From: <https://carnegie-mec.org/2023/03/16/seas-checks-and-guns-emirati-and-saudi-maritime-interests-in-yemen-conflict-pub-89288>
- Brooks, Maj J.M. (2018), "Opportunity Knocks: An Analysis of Iranian Actions In Yemen", Canadian Forces College, pp. 1- 28
- Chubin, Shahram(2012), "Iran and the Arab Spring: Ascendancy frustrated", GRC Gulf Papers. Genebra: Gulf Research Center, pp. 1-52
- Nazemroaya, Mahdi Darius (2015), "The geopolitics behind the war in Yemen: the start of a new front.against Iran", Part 1, Center for Global Policy, pp. 1-30
- Nye, Joseph S. (2005), oft Power: The Means To Success In World Politics, PublicAffairs; Illustrated edition , pp. 1-191

Websites

- Al-Karimi, Khalid(2015), 'Southerners Prepare for Houthis Invasion', Yemen Times, 23 March, Available At: <http://www.yementimes.com/en/1870/news/4994/Southerners-prepare-for-Houthi-invasion.htm>.
- Cordesman, Anthony H. (2015), "American, Saudi Arabia and the Strategic Importance of Yemen", Washington DC: Center for Strategic and International Studies, Available At: <https://www.csis.org/analysis/america-saudi-arabia-and-strategic-importance-yemen>
- Feierstein, Gerald M. (December 6, 2018), "Iran's Role In Yemen And Prospects For Peace", Middle East Institute, Available At: <https://www.mei.edu/publications/irans-role-yemen-and-prospects-peace>
- Haykel, Bernard(2011), "Saudi Arabia's Yemen Dilemma", Foreign Affairs, June 14, Available At: <http://www.foreignaffairs.com/articles/67892/bernard-haykel/saudi-arabias-yemendilemma?page=show>
- Islamic Republic News Agency(2022), "Sending military equipment to Yemen's Socotri Island by the Emirates", June 10, Available At: <https://www.irna.ir/news/84783590/>. [In Persian]
- Mashregh News (2017), "What areas are under the control of the Yemeni army and Ansar Allah forces?", April 24, Available At: <https://www.mashreghnews.ir/news/703747/>
- Ryan, Patrick W. (2015), "The Yemen Crisis and the Bab El-Mandeb Maritime Chokepoint", April 14, 2015, available at: <http://susris.com>
- Salisbury, Peter (2015), "Yemen and the Saudi-Iranian Cold War", *Chatham House*, Middle East and North Africa Programme, https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/field/field_document/20150218YemenIranSaudi.pdf
- Shaheen, Kareem (25 Mar, 2015), "Yemen edges towards all-out civil war as rebels advance on city of Aden", The Guardian, Available At: <https://www.theguardian.com/world/2015/mar/25/yemen-edges-towards-all-out-civil-war-as-rebels-advance-on-city-of-aden>
- Zimmerman, Katherine(March 14, 2022), "Yemen's Houthis and the expansion of Iran's Axis of Resistance", American Enterprise Institute, Available At: <https://www.criticalthreats.org/analysis/yemens-houthis-and-the-expansion-of-irans-axis-of-resistance>

